

## احیاء و ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری در راستای توامندسازی زنان شهروند؛ مورد پژوهی: اقدامات شهرداری تهران

مریم فرج پور\* - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

علیرضا دودانگی - دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

حسین سلطانزاده - دکتری معماری، هیات علمی، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

### Revive and reorganize the urban tissue for citizen empowerment of women; Case: Municipality of Tehran

#### Abstract

The old urban tissue requires more attention in the field of planning and urban management and restoration is to organize the change of use of the space at the same time that the process of reorganization and modernization can help the re-use of these spaces. On the other hand, female-headed households as a social vulnerable groups and areas of urban management should be considered. Meanwhile, the Women's Affairs Center in Tehran in this regard is important. Therefore, in this article in an analytical and rational assessment of the issue of the change of use of old tissues for recreation centers, social and economic had been women. Reference statistical analysis of the Women's Affairs Center of Tehran Municipality in this regard is the analysis of theoretical literature. The results alluding to the services of Tehran and the empowerment of women, including the design and SH series, to provide solutions to the empowerment of women-headed households is growing in Tehran.

**Keywords:** Empowerment, worn tissues, regulation and rehabilitation, women heads of households, the center of Tehran women's affairs, strategies and recommendations.

#### چکیده

امروزه بافت‌های فرسوده شهرها، نیازمند توجه بیشتری در حوزه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری برای ساماندهی و احیاء می‌باشد که در این میان تغییر کاربری این فضاهای هم‌زمان با فرایند ساماندهی و نوسازی می‌تواند راهگشای استفاده مجدد از این فضاهای باشد. از سویی دیگر، زنان سرپرست خانوار به عنوان یکی از اقشار آسیب‌پذیر اجتماعی لازم است مورد توجه مدیریت شهری و شهرداری‌ها قرار گیرند که در این میان اقدامات مرکز امور بانوان شهرداری تهران در این رابطه حائز اهمیت است. بر این اساس، در این مقاله در روش توصیفی و تحلیلی و ارزیابی استدلالی به موضوع تغییر کاربری بافت‌های فرسوده برای مراکز تفریحی، اجتماعی و اقتصادی بانوان منجمله مراکز شهربانو پرداخته شده است. مرجع تحلیل آمار مرکز امور زنان شهرداری تهران و تحلیل ادبیات نظری در این رابطه بوده است. نتایج تحقیق نیز ضمن اشاره به میزان خدمات رسانی شهرداری تهران و امور زنان منجمله در طرح‌های توامندسازی و مجموعه‌های شهربانو، به ارائه راهکارهایی در راستای توامندسازی زنان سرپرست خانوار شهر تهران در حوزه وظایف شهرداری و مدیریت شهری تهران معطوف شده و پیشنهاداتی را در این رابطه مورد اشاره قرار داده است.

**واژگان کلیدی:** توامندسازی، بافت‌های فرسوده، ساماندهی و احیاء، زنان سرپرست خانوار، مرکز امور زنان شهرداری تهران، راهکارها و پیشنهادات.

## مقدمه

منزلت انسان هاست. تبعیض باعث عقب ماندگی می شود و عقب ماندگی مانع رشد و پویایی زنان است و مشارکت انسان ها در عرصه فردی، اجتماعی، خانواده‌گی و جهانی را مخدوش می کند. عکس العمل زنان در برابر تبعیض به روش های مختلف ابراز می شود و تأثیرات مضر بر خانواده و تربیت فرزندان دارد، به جامعه آسیب می رساند و مشکلات کنونی دنیا را افزایش می دهد<sup>۱</sup>. توانمندسازی یعنی اینکه شهروندان باید به سطحی از توسعه فردی دست یابند که امکان تعیین و انتخاب بر اساس نیازهای خود را داشته باشند و در واقع قادر باشند از توانمندی ها و قابلیت های خود در راستای بهبود زیستی و معیشتی خود بهره بگیرند. در این میان زنان و بالاخص زنان سرپرست خانوار اهمیتی مضاعف دارند؛ چنانچه زنی که بنا به علی از قبیل عدم ازدواج، متارکه، طلاق یا فوت همسر، مفقودالاثر شدن، اعتیاد، از کار افتادگی (به طور دائم یا موقت)، محکومیت به زندان، اعزام به سربازی همسر، بیماری سرپرست و عوامل دیگر مسئولیت تامین معاش مالی را بر عهده دارد، از زنان سرپرست خانوار به شمار می آید<sup>۲</sup>. باید گفت که، زنان به عنوان نیمی از شهروندان و کسانی که در فرهنگ سازی جامعه نقش عمده ای دارند، امروزه از دیدگاه مدیریت شهری مورد توجه ویژه قرار گرفته اند و لازم است جهت نیل به توسعه پایدار و تحقق مدیریت شهری اثر بخش به توانمندسازی آنها توجه خاص مبذول شود. توانمندسازی فراینده است که طی آن زنان از نیازها و خواسته های درونی خود آگاه می شوند، جرأت دستیابی به هدف را در خود تقویت می کنند و از توانائی لازم برای عملی ساختن خواسته های خود بخوردار می شوند (کتابی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۵). در تعریفی دیگر از توانمندسازی زنان آمده

«بافت های فرسوده شهری» و حاشیه نشینی از پیامدهای نامطلوب شهرنشینی در جهان معاصر است که به ویژه در نتیجه صنعتی شدن شتابان و نابرابری های منطقه ای شکل گرفته است (زباری و نوذری، ۱۳۸۸، ص ۲۱) و این موضوع از جمله چالش های مهم فرازوه مدیریت شهری در جهان معاصر است که دستیابی به پایداری شهری را با مشکل مواجه ساخته است (شهیدی، ۱۳۸۶، ص ۴۴). در دهه های اخیر صاحب نظران به منظور سامان دادن به بافت های فرسوده به روش های گوناگون با آن برخورد کرده اند. برخی کشورها از جمله فیلیپین، اندونزی و مالزی با استفاده از «روش توانمندسازی»، بهره جستن از اعتبارات جهانی، تخصیص بخشی از اعتبارات ملی و جلوگیری از مهاجرت بی رویه از طریق عمران و آبادانی روزستاه، در مهار کردن این پدیده توفیقاتی داشته اند. از سویی دیگر، آمارهای جهانی تصویری بسیار منفی و ناراحت کننده از وضعیت زنان به دست می دهنند. طبق گزارش سازمان ملل، تعداد بسیاری از تقریباً صد میلیون جمعیت آواره و بی مسکن دنیا را زنان تشکیل می دهند. هفتاد درصد از ۱.۳ میلیارد نفر از جمعیت کره زمین که زیر خط فقر زندگی می کنند، زنان و دختران هستند که منجر به وجود آمدن پدیده بی به نام «زنانه شدن فقر در جهان» شده است؛ این که زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می دهند، ولی درصد بسیار بسیار کمی از شرót جهانی در دست آنها است. در چند ماه اخیر در کشور ایران گزارش ها و تحلیل های زیادی از مشکلات زنان و دختران در رسانه های عمومی ارائه شده است. تبعیض و نابرابری و تحریر زنان که نیمی از جامعه جهانی را تشکیل می دهند باعث تنزل

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

■ ۱۱۰ ■

۱. در سال ۱۳۷۵، تعداد مردان سرپرست خانوار حدود ۱۱ برابر (۱۰/۹) تعداد زنان سرپرست خانوار در حالی که نسبت یاد شده (تعداد سرپرست مرد به زن) در سال ۱۳۸۵ به کمتر از ۱۰ برابر (۹/۶) کاهش یافته است. گروه های سنی پنج ساله نشان می دهد که از نظر سنی میزان سرپرست خانوار بیشتر در سنین جوانی و میانسالی (به تقریب از سن ۲۰-۴۹ سالگی تا ۴۵ سالگی) هستند، در حالی که در بین زنان این نسبت همگام با بالا رفتن سن، افزایش می یابد و در سن ۶۵ سالگی و بیشتر به حداقل میزان خود می رسد (آماره های برگرفته از سایت آمار، ۱۳۹۳).

۲. براساس سرشماری سال ۱۳۸۵، ۱۶۴۱۰۴۴ خانوار زن سرپرست در کل کشور داریم که بیش ترین آن مربوط به استان تهران با ۳۵۱۲۰۲ خانوار زن سرپرست و کم ترین آن ایلام با ۸۸۳۶ خانوار زن سرپرست می باشد؛ همچنین جزو این نسبت خانواده های زن سرپرست و کهکیلویه و بویراحمد با ۵/۷ درصد کمترین نسبت خانواده های زن سرپرست را دارا است.

استنادی برای گردآوری اطلاعات بهره گرفته شده است. همچنین روش تحلیل منطقی هم در بررسی و ارزیابی مرکز امور بانوان شهرداری تهران مورد توجه بوده است که در پایان به ارائه مجموعه پیشنهاداتی در این زمینه منتهی شده است.

#### پیشنهادهای موضوع

زنان سرپرست خانوار از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی هستند که گاه عواملی چون طلاق، فوت یا اعتیاد همسر، از کارافتادگی و رها شدن توسط مردان موجب آسیب‌پذیر شدن این طیف وسیع در جامعه می‌شود. تصور این واقعیت که اگر موقعیت آنان در جامعه سنتی و پدر سالارانه باشند نیز درداور است. براساس آمارهای رسمی کشور امروز زنان سرپرستی ۹/۴ درصد خانوار ایرانی را بر عهده دارند (غفاری، ۱۳۸۲، ص ۶)؛ و درآمد کمتر زنان سرپرست خانوار موجب فقر نسبی آنان نسبت به مردان سرپرست خانوار می‌شود. از سویی دیگر،

با مروری بر تاریخچه شرکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی به این نکته پی می‌بریم که زنان تا پیش از انقلاب صنعتی دوشادوش مردان در این امر مشارکت داشتند و اساساً کاری خارج از منزل وجود نداشت، بعضی کارها مخصوص مردان و برخی از کارها مخصوص زنان بود، اما درآمد مستقلی این میان معنی نداشت. با این وجود از انقلاب صنعتی به بعد، به خاطر وجود کارخانه‌ها مردان مجبور شدند به آن جا بروند، با محدودیت جذب نیرو، دیدگاه منفی‌ای نسبت به زنانی که تا پیش از این همراه مردان کار می‌کردند، ایجاد شد، به این مضمون که این زنان حق کار کردن و فرصت‌های شغلی مردان را تهدید می‌کنند. با این نگرش بود که مردان اساساً خارج از خانه رفتند و زنان خانه دار شدند و کم کم جنس اول و دوم به معنی حقیقی نمود پیدا

است که توانمندسازی زنان یعنی آنها بر شرم بی مورد خود فائق آیند، کردار و گفتارشان حاکی از اعتماد به نفس و اطمینان خاطر باشد، قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خویشتن باشند، به استعدادها و محدودیت‌های درونی خویش آگاه باشند، قدرت رویارویی با دشواری‌ها را داشته باشند و در رفع آن‌ها بکوشند، از اهداف مورد نظر و توان عملی ساختن آن شناختی دقیق داشته باشند، از توانایی و قابلیت نیل به هدفهای خویش برخوردار باشند و بتوانند با افزایش توانمندی خویش به هدف‌های موردنظر دست یابند (فرخی، ۱۳۷۶، ص ۷۶). نظریه‌های توانمندسازی خواستار قدرت دادن به زنان نه به معنای برتری یک فرد بر فرد دیگر، بلکه به معنای افزایش توان آنها برای اثکا به خود و گسترش حق انتخاب در زندگی هستند (کتابی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۱۱).

در این مقاله تلاش شده است تا ضمن اشاره به مفهوم بافت‌های فرسوده و روش‌های مداخله در آن منجمله تغییر کاربری فضایی و تبدیل آن به کاربری‌های مطلوبتر که امکان توانمندسازی زنان را فراهم می‌کند، به این مفهوم اشاره شود که می‌توان از فضاهای کالبدی موجود در بافت‌های فرسوده برای ایجاد فضاهایی با کاربری‌های جدید که امکان معیشت زیستی جدید را برای اقشار آسیب‌پذیر جامعه را فراهم می‌کند، بهره گرفته شود؛ چنانچه مرکز امور بانوان شهرداری تهران به احداث و ایجاد مراکزی با عنوان شهربانو اقدام کرده است؛ لذا در ادامه به اختصار به مبانی نظری و در پایان راهکارهایی در راستای توانمندسازی زنان با فراتحلیل مطالعات صورت گرفته اشاره می‌شود.

#### مواد و روشها

در این تحقیق از روش توصیفی و تحلیلی و شیوه

۱. تحقیق کیفی ارتباط خاصی با مطالعه روایت اجتماعی دارد و امداد این واقعیت است که زیست جهان‌ها مبتکر شده‌اند. این مبتکر شدن را با تعابیر کلیدی همچون ابهام‌های تازه، رشد فردی شدن شیوه‌های زیست و الگوهای زندگی، و حل شدن نابرابری‌های اجتماعی قدمی در تنوع جدیدی از محیط‌های اجتماعی، خود فرهنگ‌ها، سبک‌های زندگی و شیوه‌های زیست، نشان داده‌اند. این مبتکر شدن حساسیت جدیدی نسبت به مطالعه تجربی مسائل ایجاب می‌کند. مبالغان پست مدرنیسم از پایان عصر روایت‌ها و نظریه‌های کلان سخن می‌گویند. به اعتقد آنان، اکنون به روایت‌های محلي، موقت، و محدود نیازمندیم. برای مطالعه زمینه‌های اجتماعی به جای شروع پژوهش از نظریه‌ها و آزمون‌ها آنها، به مفاهیم حساسیت برانگیز نیاز است. از آنجا که دیدگاه‌های شخص محقق و نیز افراد مورد بررسی تا حد زیادی حذف می‌شوند، عینیت مطالعه باید تضمین شود (اووه فلیک، ۱۳۸۷، ص ۱۲).

زنان طبقات محروم و متوسط جامعه، برای تأمین هزینه زندگی و رفع ضروریات، کار در مزارع جالیز و شالی و یا کارگاههای بافتندگی و صنایع کوچک دستی الزامی بوده است. کلارا رایس در کتاب زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنها می‌گوید: «ضمن کارهای مربوط به داخل خانه، بافت و پشم ریسی، پختن نان، تهیه لبیات و غیره به عهده آنان بود. زنان وابسته به طبقات پایین بنا به نوع تولیدات منطقه زیستی خویش در کارگاههای خانوادگی مشغول کار بودند و از این طریق به اقتصاد بی جان خانواده کمک می‌کردند (کلارا رایس، ۱۳۸۳، ص ۲۱).»

و همچنین اضافه می‌کند:

«هیچ گونه قانونی برای کار وجود ندارد. کارگران مزد بسیار ناچیزی می‌گیرند، لذا زنان بسیاری باید به کسب معاش خود بپردازند و آنچه را به اجرای آنها می‌دهند، دریافت و تحمل کنند (همان، ص ۲۲).»

گشايش جامعه ايران به سوي آورده هاي تمدن جديد، دگرگوني هاي بسيار به بار آورده است که از مهم ترين آنها حضور اجتماعي محسوس و دستيابي به بازار اشتغال استورود زنان به بازار کار و صنعت و اشتغال در ايران يك قرن بعد از حضور گستره زنان غربي بود زира ورود فن آوري به ايران با اين فاصله صورت گرفت. البته سير صعودي اشتغال زنان در ايران به گندى و آهسته پيش مى رفت زира شرایط برای توليد انبوه که با ساخت یا ورود فن آوري ارتباط مستقیم دارد، تا مدت ها مهیا نبوده و بازار کار ظرفيت جذب نيري کار زنان بيشتری را نداشت. تحولات گند و آهسته اقتصادي، توأم با ريشه هاي تناور سنتي که همواره در ايران روند ضد اشتغال زنان را طي کرده است، زن را از بازار کار دور نگه داشته اند و در مراحلی که زن به طور جدي در بازار کار جلوه گر شده و جمعی از مدیران به افزایش حضور او تأکید ورزیده اند، ناگهان سدها و موانع سنتي و حقوقی به شكل ها و صورت های

کرد. با اين حال زنان طبقه کارگر که به علت کمبود منابع مالي همسانشان مجبور به کار بودند همچنان در محل کار خود ماندند؛ ولی با اين شرط که (دختران) به محض ازدواج از کار خارج شوند، اين اصل پذيرفته شده تمام زنان آن دوران بود؛ ولی اين خانه داري بسيار بد برای زنان تمام شد، چراكه زنان ديگر نمي توانستند در فعالities هاي اجتماعي نيز شركت کنند، زنجيرهای پيوسته که فعالities هاي اقتصادي، اجتماعي و سياسی را به هم پيوند می داد، ديگر حق دخالت در ديگر امور را نيز از زنان سلب کرده بود. با اين شرایط، فشار کاري بر زنان کارگر هر روز بيشتر از روز قبل مى شد، از سوی ديگر زنان روشنفکر نيز خواهان شركت در فعالities هاي اجتماعي و اقتصادي بودند (همچون گذشته)، از اين رو كم كم موج هاي مخالف و زمزمه هاي آرامي از مخالفت به گوش مى رسيد. اين اعتراضات که اولين بار به صورت علنی در هشت مارس سال ۱۸۵۷

توسط زنان کارگر کارگاههای پارچه بافی و لباس دوزی در نيوپورك آمريكا و با خواسته های بسيار ابتدائي از جمله افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار و بهبود شرایط بسيار نامناسب کار، صورت گرفت با حمله پليس و کتك زدن زنان به هم خورد.اما نقطه عطفی در اين اعتراضات بود، تا اينکه در قرن بیستم، فشارها بر زنان کمتر شد و کم کم زنان توانستند تا حدود زيادي، وارد عرصه کار شوند (پاملا ابوت و كلر والاس، ۱۳۸۷، ص ۳).

در گذشته در ايران نيز، کوشش مربيان بيشتر اين بود که دختران را فقط برای زندگي سالم خانوادگي آماده کنند و به کارهای علمی و فكري آنان توجه لازم نمى شد، زира تصور مى کردند که زن تنها برای خانه داري و توليد مثل و پرورش کودک خلق شده است و حضور اجتماعي او مفید نبوده یا مضر مى باشد. در دوران قاجار، بريگى زنان مرافق شهری از اجتماع به درجه اي بود که تنها هنگام حمام رفتن، شركت در جلسات مذهبی یا میهمانی های زنانه می توانستند در کوچه و بازار ظاهر شوند. در میان

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۱۱۳

از مجموعه فعالیت‌های صنعتی افزایش یابد. در شرایط قرار گرفتن در مسیر توسعه، هر گاه فقط انتظار ایفای نقش‌های سنتی از زنان داشته باشیم، تفکر مردود و غیر منطقی خواهیم داشت.

اگر چه موضوع زنان سرپرست خانوار و مشکلات و معضلات آنان یکی از مسائل مهم اجتماعی است ولی متاسفانه در این راستا کار شایان توجهی انجام نشده است به همین دلیل کارهای هر چه بیشتری را در این مقوله می‌طلبند. کارهایی که تاکنون در این موضوع انجام شده به صورت جانبی و بخش‌های از تحقیقات مربوط به خانواده، اعتیاد، و طلاق بوده است. از محدود تحقیق‌های انجام شده، عبارتند از: بررسی علل آسیب شناسی اجتماعی خانواده‌های تک سرپرست در یک وزارت خانه، سهیلا مبارک، ۱۳۸۳، همایش آسیب شناسی خانواده در ایران است که در آن عوامل وضعیت نامناسب اقتصادی، پایین بودن سطح درامد، زندگی در محلات شلوغ، نوع مسکن و غیره را در بروز آسیب‌های اجتماعی موثر می‌داند. تحقیق دیگری با موضوع آسیب شناسی و ارزیابی پدیده بیوگی در شهر تهران با رویکرد جامعه شناختی توسط دکتر محمدتقی شیخی عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا در سال ۱۳۸۳ انجام شده است که در آن به بررسی آسیب‌های اجتماعی، نابه‌سامانی‌های اقتصادی، نارسایی‌های روانی در زنان بیوه می‌پردازد. مطالعات و منابع گوناگون از کشورهای مختلف نشان می‌دهد که افزایش زنان در جایگاه های مدنی می‌باشد. مطالعات و منابع گوناگون از زنان شاغل، هنوز نامتعادل است («کرافورد»، ۱۹۳۳؛ «کوتیس»، ۱۹۹۳؛ بنقل از کجباف و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۳۴). در حال حاضر جامعه صنعتی چون در تمام حوزه‌ها متکی به حاکمیت مردانه است، در برخی عرصه‌ها که نیاز به روحیات غالب زنان است، ضعیف عمل می‌کند؛ لذا می‌توان در آن زمینه‌ها

خاص بر سر راهش قرار گرفته و گاهی او را تا قهقهرا پس رانده‌اند. در کشور ما، گرایش زنان به اشتغال همگام با دسترسی بیشتر آنان به سازمان‌های آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها) در طی مدت به نسبت کوتاه در اغلب شهرهای بزرگ شدت یافت. اما از آنجا که این امر با شتاب زدگی در میان برخی از گروه‌ها مطرح گردید، در عین حال شرایط اجتماعی-فرهنگی جامعه در خیلی از موارد پویایی متناسب با آن را نداشت، اشتغال زنان از سویی با مسائل حاد مواجه گردید و اختلاف عقیده را در میان توهه‌های مختلف مردم موجب شد. مردان از زمانی که وارد بازار کار می‌شوند معمولاً تا هنگام بازنشستگی به صورت پیوسته در بازار کار باقی می‌مانند و تحولات زندگی، این حضور پیوسته را مختل نمی‌کند در صورتی که زنان دارای مشارکت ناپیوسته و قطعه قطعه هستند و تحت تأثیر تغییرات زندگی مثل وضع تأهل، تعداد فرزندان و غیره، الگوی مشارکت شان تغییر می‌کند. اعتقاد به تاباگری مردان و زنان از نظر قوای بدنی و فکری سبب شده است که درهای بسیاری از مشاغل به روی زنان بسته شود و حتی خود زنان نیز در بسته بودن این بر اساس بررسی‌های آماری انجام شده ۸۲/۳۸ درصد زنان شاغل در بخش خدمات فنی، مهندسی، حرفه‌ای و کشاورزی، کمتر از ۵ درصد اشتغال دارند. تغییرات بافت اقتصادی اشتغال زنان در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که اشتغال زنان کشور توسعه نمی‌یابد مگر اینکه فعالیت‌های صنعتی رشد و پیشرفت اقتصادی مناسبی پیدا کند. یعنی اگر در جستجوی این هستیم که زنان سهم و جایگاه مناسبی در تولید کشور داشته باشند و به نرخ‌های مشارکت در خور توجهی دست پیدا کنند، بایستی فعالیت‌های کشور توسعه پیدا کند و مناسب با آن سهم زنان

۱. جایگاه زنان در سطوح مدیریتی و بررسی و آسیب شناسی عدم مشارکت پذیری آنها در سطوح مدیریتی از جمله مهمترین مواردی است که انتظار می‌رود در فرآیند برنامه ریزی راهبردی سطوح مدیریتی شهر مورد بررسی قرار گیرد، در ادامه به برخی از تحقیقات در این رابطه به اختصار اشاره می‌شود:\*) از بررسی اطلاعات ۴۰ کشور راجع به توسعه انسانی بر اساس آخرین امار بین المللی سال ۱۹۹۸ و تأثیر آن بر میزان فعالیت زنان چنین نتیجه گیری می‌شود که کشورها می‌توانند در زمینه فعالیت اقتصادی زنان در سطوح بالای شغلی سرمایه‌گذاری کنند و شاهد رشد توسعه انسانی باشند. مواردی که مورد آزمون و تایید قرار گرفته عبارتند از: عدم دسترسی زنان به تخصص‌های بالا، حضور فیزیکی در محل کار، ساعت‌های کار، مشکل ایاب و ذهب، مشکل

طرف هویت تاریخی و فضایی آنها براساس هویت انسانی، اقتصاد پیشه وری و فرهنگ ما قبل صنعتی شکل گرفته و از طرف دیگر با نیازها و الزامات نیرومند عصر صنعتی و پسا صنعتی روپرور شده است. جدایی و بردیدن از میراث گذشته شهر به بی هویتی و آشفتگی می انجامد و از طرفی مقاومت در برابر سبک های جدید زندگی شهری به ازدواج جدایی از تحولات جهانی منجر می شود (مهدیزاده، ۱۳۸۴، ص ۱۴). مقابله با این تضاد بحران به یک رویکرد راهبردی درازمدت و نگرش علمی و جامع نیاز دارد. شاید مناسب ترین راهکار در این زمینه، توسعه شهری پایدار و تدوین دستور کار ملی توسعه شهری پایدار است. نظریه توسعه پایدار در راستای حمایت از منابع محیطی ارائه شده است. مبانی نظری این رویکرد بر نگهداری منابع در حال و آینده از طریق استفاده بهینه از زمین و وارد کردن کمترین ضایعات به منابع تجدید ناپذیر مطرح است. این نظریه راه رسیدن به این اهداف را از طریق اتخاذ سیاست کاربری صحیح و محافظت از زمین و کنترل کاربریها می داند (Curtis, ۲۰۰۸: ۱۰۷).

**رویکردهای مداخله در بافت‌های فرسوده**  
با بروز پدیده بافت‌های فرسوده در کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته، اندیشمندان دیدگاه‌های متفاوتی ارائه داده اند که عبارتند از:  
۱. «دیدگاه مساله‌گرا» این دیدگاه شامل «اکولوژیستهای انسانی»، «جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو»، «وبریها و نئوبربیها» می باشد. این گروه

از مدیریت زنانه بهره گرفت.<sup>۱</sup>

## مبانی نظری

مکاتب و نظریه‌های متعددی درباره بهسازی و ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری ارائه شده که بعضی از مکاتب نقش انسان و محوریت آن را اصلی اساسی می دانند که در زیر به آنها اشاره می شود: «مکتب انسانگرایی»: «کریستوفر کساندر»، «پاتریک گدس»، «کوین لینچ» از جمله اندیشمندان و نظریه‌پردازان قرن بیستم هستند که در زمینه بهسازی و نوسازی بر اساس شهرسازی انسانگرا اظهارنظر کرده‌اند. نظریه‌های این گروه تحت تأثیر نظریه‌های شهرسازی مشارکتی دهه‌های آخر قرن بیستم میلادی است. هدف اصلی این گروه توجه به مردم و مشارکت آنها در بهسازی و نوسازی فضاهای شهری است. بهسازی و نوسازی شهری شهرسازان انسانگرا، بر اساس نظرها و مشارکت شهروندان و سپس با توجه به بررسی‌های لازم صورت می گیرد.

داخله مردم گرایانه بیش از طراحی به برنامه‌ریزی شهری می اندیشد. برنامه‌ریزی که در آن مردم و یا شهروندان نقش اساسی را در ساماندهی شهری بازی می کنند (کوین لینچ، ۱۳۷۶، ص ۳۴۲). این مکتب اعتقاد دارد شهر صنعت‌زده قرن بیستمی قادر به برآوردن نیازهای جسمی و روانی ساکنانش نیست، از این رو توجه به طبیعت و فرهنگ از اصول مهم این دیدگاه است.

**«مکتب توسعه پایدار»:** بافت قدیم در دوران معاصر با یک تضاد اساسی روپرور شده است. از یک

◀ ترکیب نقشه‌های مادری- همسری با کار بیرون خانه (بابایی زکلیلی، ۱۳۸۵، ص ۵۹). (\*) اسفیدانی موافق دستیابی زنان به پست های مدیریت در وزارت خانه های کشور را مورد بررسی قرار داده است. طبق نتایج تحقیق عدم قرارگیری زنان در پست های مدیریتی، به مدرسالاری فرهنگ سازمانی و همچنین نگرش مدیران مرد در وزارت‌خانه های مستقر در تهران معمولی می باشد» (لهسایی زاده و بوستانی، ۱۳۸۵). (\*) طبق نتایج مقایله ارتقای مشارکت زنان در سطوح مدیریتی ایران توسط دکتر شمس السادات راهدی مسئولیت های خانوادگی و عوامل سازمانی شامل سیاست های منابع انسانی، قوانین و مقررات روبه ها و روش ها، شرایط احراز مشاغل مدیریتی، در اقلیت بودن زنان، سبک های مدیریتی، جو و فضای سازمانی، عوامل فرهنگی، مانع ارتقای زنان در سطوح مدیریتی در ایران است (زاده‌ی، ۱۳۸۲، ص ۱۷). (\*) تحقیقی تحت عنوان بررسی نگرش کارکنان سازمان آموزش و پرورش شهر اصفهان به مدیریت زنان و موانع ارتقای زنان به جای گاه های مدیریتی در سال ۱۳۸۷ توسط محمد باقر کجاف و ملیحه سادات کاظمی انجام شده است. نتایج نشان داد که مردان نسبت به مدیریت زنان نگرشی منفی دارند و عوامل فردی و شخصیتی را از موانع مدیریت آنان می دانند. (\*) محمد علی بابایی زکلیکی پژوهشی با عنوان چالش های زنان برای دستیابی در سازمانهای دولتی در سال ۱۳۸۷ انجام داده است. طبق بررسی ها در سالهای اخیر تعداد زنان ارتقا یافته به مشاغل مدیریتی افزایش یافته است ولی هنوز آنان سهم اندکی از کل مشاغل مدیریتی برخوردارند. (\*) تحقیقی تحت عنوان مشارکت اجتماعی در ایران توسط منوچهر محاسنی و عذرًا جارالله انجام گرفته است. طبق این تحقیق بیشترین مشارکت با گروهها نزد میانسالان مشاهده می شود که به اقتضای سن معمولاً بیشترین فعالیتهای اقتصادی- اجتماعی را به عهده دارند (محسنی و جارالله، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵-۱۴۷). (\*) فاطمه صمدیان، پژوهشی را تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی زنان در کرمان»، نتیجه گرفت متغیرهای زمینه ای و وضعیت تا هل و تحصیلات با مشارکت رسمی رابطه معنی دار دارد.

## جدول ۱. نظریه های بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری

نظریه های بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری	
نظریه اصلت بخشی یا راهبرد اصلاح مسکن به همراه بهبود زندگی اجتماعی در بافت قدیم یا پخش مرکزی شهرها بویژه برای گروه های اجتماعی با درآمد زیاد، جوانان و خانواده های کم فرزند است. اصلت بخشی فرایندی است که در نواحی مرکزی شهرها صورت می گیرد و از طریق آن خانه های قدیمی و نیمه قدیمی خریداری می شوند و پس از نوسازی و بهسازی شرایط زندگی برای طبقه متوسط جامعه و حتی طبقات ثروتمند را فراهم می آورند (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۴، ص ۲۲۳).	نظریه اعیان سازی (اصالت بخشی)
این راهبرد به جای نوسازی املاک، برنامه ریزی اجتماعی و اقتصادی و حل مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی مردم را مورد توجه قرار می دهد. بر اساس این نظریه ابتدا از طریق تحلیل علل محرومیت و فرسودگی شهری باید زمینه های لازم برای اجرای سیاستها و برنامه های ساماندهی شهری فراهم آید. اقتصادی که نتواند شکم مردم خود را سیر کند، نمی تواند به بهسازی و نوسازی شهری بپردازد و برای آینده خود سرمایه گذاری کند.	نظریه محرومیت زدایی و راهبرد برنامه ریزی اجتماعی
قسمت های فرسوده در داخل شهر از طرفی خریداری شده و با پاکسازی و ساخت و سازهای جدید جایگزینی صورت می گیرد. فرض بر این است که قسمتهای فرسوده در سیستم شهری کارایی ندارند. هدف اصلی جایگزینی ایجاد هماهنگی در بخش های مختلف شهر و تأمین منابع مالی برای نواحی شهری و مشارکت اجتماعات محلی در بهبود محیط فیزیکی شان است. برنامه جایگزینی با کمک بخش خصوصی توسط تشکیلات نهادی صورت می گیرد.	الگوی جایگزین
این الگو متکی بر کوچ ساکنان و اشتغال، به خارج شهر می باشد، بدین ترتیب که جمعیت مناطق فرسوده و قدیمی مراکز شهری به حومه ها و شهرک های جدید رانده می شود و در این مکانهای جدید، اشتغال افراد نیز در نظر گرفته می شود. از طرف دیگر، مناطق فرسوده قدیمی پاکسازی شده و با ایجاد نواحی مسکونی جدید سعی می شود، گروه های اجتماعی با درآمد متوسط و بالا در این مناطق جایگزین شوند (عظیمی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۲).	الگوی پالایش شهری
این راهبرد بر خلاف تخلیه بافت و تعویض مکان (الگوی جایگزینی) حفظ و بهبود املاک موجود بدون جایگزینی ساکنان آن است؛ بنابراین راهبرد، هر ضایای قابل بهبود است و ارشاد در محل خود را دارد.	راهبرد خودکفایی و خود تنظیمی
طرحها تنها در زمانی توصیه می شود که نه بناهای موجود در بافت دارای ارزش باشند و نه مجموعه عناصر شهری ارزشمندی ارائه دهند. در نهایت تخریب املاک و تجمیع پلاکهای ثبتی شهر مطرح می شود (حدیرتاج، ۱۳۸۶، ص ۶۱).	طرح تجمیع
هرچه تحولات جامعه سمت و سوی مردمی تر به خود بگیرد، اهمیت مشارکت و همچنین نقش و جایگاه آن در فرایند تکامل اجتماعی بیشتر آشکار می شود. مشارکت فرایندی از خود آموزی اجتماعی و مدنی است. این تغییر موجب برقراری مناسبات اجتماعی و انسانی جدید می شود. خودگردانی، تجسم دموکراسی است. اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی مواد اولیه سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهند که ارتباطی عمودی با هم دارند. بدین معنا که در سایه آشنایی اجتماعی، اعتماد اجتماعی شکل می گیرد. اعتماد بوجود آمده به انسجام اجتماعی منجر می شود و نهایتاً اعتماد و انسجام حاصله در قالب شبکه های اجتماعی (رسمی و غیررسمی) به جریان مشارکت اجتماعی ختم می شود.	سرمایه اجتماعی

جدول ۲. آسیب‌شناسی مراحل مختلف فرایند دخالت در بافت شهری؛ مأخذ: نگارنده.

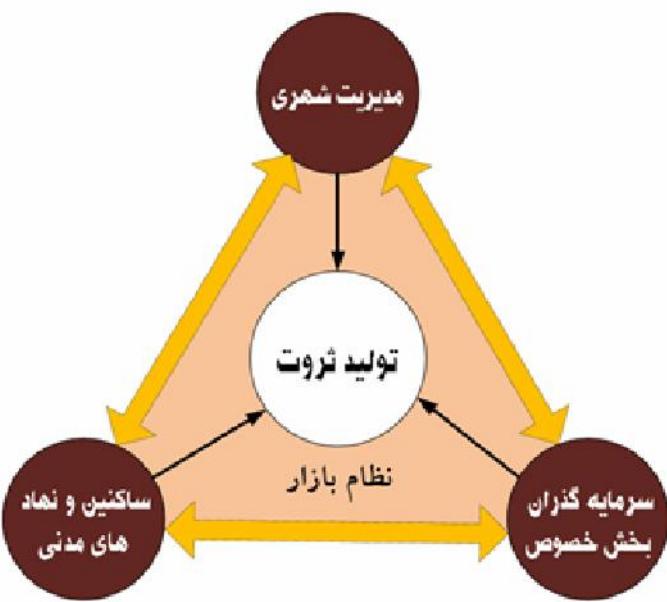
ارزیابی اجرا	اجرا	طراحی	برنامه‌ریزی	مراحل
				عوامل
توجیه طرح و یا تخریب بدون دلیل (بسته به جایگاه کارفرما)	سرعت، آورده اقتصادی، ذی‌نفوذان، مشارکت اقتصادی ذی‌نفعان و توجیه اقتصادی و سیاسی	شناخت، مبانی، مردم، بهبود وضعیت	اهداف و تمایلات ذی‌نفوذان، تمایلات ذی‌نفعان، کشور، چشم‌انداز، هدف، بهبود وضعیت	مهمترین مسائل
کارفرما، ذی‌نفعان و مردم	مردم، کارفرما و پیمانکار	مشاورین طراح، کارفرما	ذی‌نفوذان و کارفرمای مادر	گروههای درگیر
محله، ناحیه و شهر	بنا و محله	محله، ناحیه و شهر	کشور، منطقه و شهر	مقیاس به ترتیب بر اساس اهمیت
کوتاه‌مدت و مقطوعی	کوتاه‌مدت	زمان‌بندی شده	نامحدود و طولانی‌مدت	زمان

از صاحب‌نظران، خلق فضای حاشیه نشینی شهر دارد. با این تفاوت که هدف گرایان، حاشیه نشینی را نه بنوان یک پدیده طبیعی و بهنجار در حال رشد طبیعی شهر، بلکه بنوان یک واقعیت پذیرفته و به دنبال راهکاری در جهت ارتقاء چنین سکونتگاه‌ها هستند.

۳. «بنیادگرایان»: این دسته از صاحب‌نظران در تحلیل مسائل بافت‌های فرسوده به بنیان‌ها و ریشه‌های این کانون‌ها توجه داشته و آن را بیش از هرچیز به نظام سرمایه‌داری و پیامدهای آن نسبت می‌دهند. از این دیدگاه سرمایه‌داری عامل اصلی فقر و کمبودهای اجتماعی و در نهایت دو قطبی شدن جامعه است (شکوهی، ۱۳۸۲، ص ۲۶۲؛ هرچند در این دیدگاه به ریشه‌های اصلی شکل‌گیری این کانونها توجه شده است ولی رویکرد مناسب در جهت ساماندهی و ارتقاء محیطی این سکونتگاه‌ها ندارد. این نگرش دارای ضعف بنیادین در ارائه راهکارها و راه حل‌های لازم جهت ساماندهی

از تا حد یک پدیده شهرنشینی تقلیل و ضمن طبیعی جلوه دادن آن، چنین فضاهایی را محصول جبر مکانی-طبیعی و حداقل کارکرد ناقص و غلط برنامه‌ریزی و مدیریت شهری می‌دانند و غافل از توجه به ریشه و بنیان‌های مساله و عوامل اساسی موثر در پیدایش و شکل‌دهی این سکونتگاه‌ها، آن را یک پدیده عادی و طبیعی قلمداد می‌کنند و عوارض سوء آن را در ایجاد بزمکاری، جرم، جنایت و تهدید امنیت شهری و انواع آسیبهای اجتماعی توصیف می‌کنند و آنها را در روال رشد طبیعی شهر قابل حذف، پاکسازی و جمع آوری می‌دانند (شیخی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۵).

۲. «نگرش راه حل گرا»: شامل مجموعه نظریاتی است که اصولاً با بنیادها، ریشه‌ها و عوامل دخیل در شکل‌گیری این کانون‌ها کاری ندارد و در تبیین و تحلیل نهایی پدیده‌ها ریشه در دیدگاه مساله گرا



تصویر ۱. نقش آفرینان نوسازی بافت‌های فرسوده شهری و مدیریت شهری؛ مأخذ: نگارنده.

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۱۱۷

ثروت در بافت‌های فرسوده به صورت ارگانیک به فعالیت پرداخته که در نتیجه آن ضمن توسعه ثروت در بافت‌های فرسوده کیفیت زندگی و شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی نیز دچار تحول می‌شود.  
توانمندسازی زنان

زنان به عنوان نیمی از جمعیت فعال کشور دارای نقش روزافزون و فزآیننده‌ای در فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هستند و نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود و ارتقای رشد و توسعه اقتصادی ایفا می‌کنند. در جامعه اسلامی اشتغال یکی از حقوق اجتماعی زنان به شمار می‌آید؛ به گونه‌ای که آنان با انتخاب شغل مناسب با ظرفیت‌های خود، آزاد باشند علاوه بر بهره‌مندی از مزایای حاصل از تلاش خود، در سازندگی اجتماع نیز سهمیم باشند. اشتغال اثرات مثبت بسیاری برای خانواده و اجتماع دارد، به طوری که ضمن فراهم نمودن رضایت روحی و روانی، افزایش رفاه و ارتقاء سطح فرهنگی خانواده، موجب بهره‌مندی جامعه از توان و تخصص زنان نیز می‌شود؛ اما دستیابی به این مهم و جلوگیری از اثرات منفی اشتغال زنان، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق

و بهسازی زندگی و سکونت در سکونتگاه‌های خودروی موجود بوده است و تنها راه حل مساله را در تغییر ساختار حاکم برکار، تولید، توزیع و مصرف از دیدگاه اقتصادی سیاسی یعنی ساخت اقتصادی و نیز تغییر بنیادین جوامع می‌دانند (شیخی، ۱۳۸۱، ۳۸). اکثر نظریه-پردازان ایران نیز با پیروی از این دیدگاه، توسعه برون‌زا و عامل فقر اقتصادی را متغیر اصلی شکل گیری چنین سکونتگاه‌ها می‌دانند. تجربه نشان داده است که به فرض تحقق کامل چنین تغییرات بنیادین، نیاز به زمان طولانی دارد و نمی‌توان پاسخگویی به مشکلات و مسائل را به آینده‌ای مهم محول کرد (شیخی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۷).

بر اساس مطالب گفته شده، نوعی تغییر نگاه (پارادایمی) به نوسازی در مقیاس جهانی بوقوع پیوسته و نوسازی از یک پروژه کالبدی به یک فرآیند اجتماعی و اقتصادی پیچیده تبدیل شده است. در تبیین الگوی مدیریت نوسازی این تحول گسترده را مورد توجه قرارگرفته و نظامی طراحی شده که در آن کلیه نقش آفرینان نوسازی با انگیزه تولید

اخير در دنيا نشان دهنده افزایش تعداد خانواده هایی است که به وسیله زنان اداره می شوند؛ بويژه از سال ۱۹۸۰ که تعداد خانواده های زن سرپرست افزایش یافته است. در اروپاي غربی درصد خانواده های زن سرپرست به کل خانواده ها از ۲۴ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۳۱ درصد در سال ۱۹۹۰ افزایش یافته است. در کشورهای در حال توسعه نیز بين ۲۰ تا ۵۰ درصد کل خانواده ها به وسیله زنان اداره می شوند (فروزان و بیگلریان، ۱۳۸۲، ص ۴۲)، در سال ۱۳۷۵، ۴/۸ درصد خانوارهای ایرانی زن سرپرست بودند، این سرپرست زن به ۵/۹ درصد کل خانوارها رسیده اند. سرپرست خانوار بودن موقعیتی است که صرف قرار گرفتن در آن می تواند تبعات و مشکلات خاص خود را ایجاد کند. در فصلنامه مطالعات فرهنگی زنان و خانواده در تعریف این موقعیت آسیب زا آمده است: عنوان سرپرست خانوار به یکی از اعضای خانوار که در خانواده با این مسئولیت شناخته می شود اطلاق می گردد. در صورتی که اعضای خانوار قادر به تعیین سرپرست خود نباشند مسن ترین عضو خانوار به عنوان سرپرست خانوار شناخته می شود. در صورت نبود پدر (فوت، طلاق...) مادر سرپرست خانوار محسوب می شود. در گذشته خانواده هایی که با سرپرستی زنان اداره می شد در جامعه به خانواده بی سرپرست شهرت داشتند. متاسفانه هنوز هم در برخی موارد از این ادبیات نادرست استفاده می شود. انواع زنان سرپرست خانوار شامل: زنان بیوه، زنان مطلقه (اعم از زنانی که پس از طلاق به تنهايی زندگی می کنند و یا به خانه پدری بازگشته ولی خود امرار معاش می کنند)، همسران مردان معتمد، همسران مردان زنداني، همسران مردان بیکار، همسران مردان مهاجر، همسران مردانی که در نظام وظيفه مشغول خدمت هستند. بسياري از همسران مردان مهاجر، همسران مردانی که در نظام خودسرپرست (زنان سالمند تنها)، دختران خودسرپرست (زنان سالمند تنها)، دختران خودسرپرست (دختران بی سرپرستی که هرگز ازدواج نکرده اند)، همسران سالمند می شود (قدیر، ۱۳۸۰).

با هماهنگی و همراهی اعضای خانواده است که به طور يقین توجه به آموزه های دينی و بهره گيری از تعاليم اسلامی، می تواند راه گشای بسيار خوبی جهت موفقیت هرچه بيشتر زنان در عرصه فعالیت های اجتماعی و اشتغال باشد (آيت الله، ۱۳۸۱). زنان سرپرست خانوار گروهی از زنان هستند که مسئولیت تامین معاش افراد دیگر را برعهده دارند و بنابر دلایل مختلف بار زندگی بروش آنها افتاده و مسئولیت خانواده بر عهده آنهاست. مطالعه کشورهای متفرق جهان بيانگر اين واقعیت است که اين کشورها از اين منبع عظیم نیروی انسانی در همه ابعاد، بسيار فراتر از کشورهای در حال توسعه هستند و از توان فکري و عملی آن در جهت افزایش رشد و توسعه جامعه خود بهره می جويند.

### زنان سرپرست خانوار

منظور از سرپرست خانوار يکی از اعضای خانوار است که در خانوار به اين عنوان شناخته می شود؛ در صورتی که اعضای خانوار قادر به تعیین سرپرست خانوار نباشند، مسن ترین عضو خانوار به عنوان سرپرست خانوار تلقی می شود (سالنامه آماری مرکز آمار ايران، ۱۳۸۵). زنان سرپرست خانوار، زنانی هستند که عواملی مانند طلاق، فوت و یا اعتیاد همسر، از کارافتادگی او، رهاشدن توسط مردان مهاجر و یا دیگر موارد موجب می شود که مسئولیت و سرپرستی خانواده به دوش آنها بیفتند. زنان سرپرست خانوار، شامل زنان بیوه، زنان مطلقه (اعم از زنانی که پس از طلاق به تنهايی زندگی می کنند و یا به خانه پدری بازگشته ولی خود امرار معاش می کنند)، همسران مردان معتمد، همسران مردان زنداني، همسران مردان بیکار، همسران مردان مهاجر، همسران مردانی که در نظام وظيفه مشغول خدمت هستند. بسياري از زنان خودسرپرست (زنان سالمند تنها)، دختران خودسرپرست (دختران بی سرپرستی که هرگز ازدواج نکرده اند)، همسران مردان از کارافتاده و سالمند می شود (قدیر، ۱۳۸۰). مطالعات آماري

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۱۱۹

با مادران است (فروزان و بیگلریان، ۱۳۸۲، ص ۴۲). در ایران ۸۳ درصد زنان سرپرست به علت فوت همسر عهده دار مسئولیت خانواده شده اند، طلاق و جدائی با سهمی حدود ۷ درصد در مرتبه دوم قرار دارد، زنانی که به دلیل از کار افتادگی مرد سرپرستی خانوار را بر عهده دارند فقط ۰/۵ درصد از کل خانوارهای زن سرپرست را تشکیل می دهند. مقایسه ارقام کل کشور و آمار مربوط به خانوارهای زن سرپرست زیر پوشش سازمان بهزیستی نشان می دهد که سهم از کار افتادگی در این گروه بسیار بیشتر از ۱۹ درصد است به نظر می رسد تعریف رسمی مرکز آمار ایران از مفهوم "سرپرست خانوار" موجب کم شماری و نادیده انگاشتن بخشی از خانوارهای زن سرپرست شده است (شادی طلب و گرائی نژاد، ۱۳۸۳، ص ۵۶). از سایر عوامل موثر بر وقوع پدیده زنان سرپرست خانوار می توان به حوادث و مصیبتهای اجتماعی از قبیل انقلاب، جنگ هشت ساله و نالمنی های شغلی و ترافیکی در شهرها و جاده ها اشاره کرد که قربانیان خود را عمدتاً از مردان می گیرد. مرگ زودهنگام مردان نیز از دیگر دلایل تحمیل سرپرستی خانوار بر دوش زنان است بی آنکه مقدمات و آموزش ها و سازوکارهای لازم پیش بینی شده باشد. یکی دیگر از دلایل گسترش پدیده سرپرستی خانوار توسط زنان وجود این گرایش فرهنگی و سنتی است که از یک سو مردان بی همسر (خواه مجرد و خواه بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق) بندرت به همسرگزینی از بین زنان بی همسر روی آورده و به دلائلی چون عدم قبول مسئولیت معاش فرزندان آنها و میل به ازدواج با دختران مجرد به سراغ این گروه نمی روند. از سوی دیگر زنان بی همسر نیز گاه به دلیل وفاداری به شوهر متوفی خود یا ترس از آزار کودکانشان در ازدواج مجدد و گاه به دلیل آزادی بیشتر نسبت به زمان تأهل تن به ازدواج مجدد نمی دهند (فروزان، ۱۳۷۹).

مردان از کار افتاده و سالمند، می شوند. آمارها و اطلاعات ذکر شده نشان می دهد که پدیده زنان سرپرست خانوار، یک پدیده در حال رشد و توسعه ای است که به موازات این رشد ارقامی، مشکلات و مسائل عدیده ای به بار خواهد آورد که در صورت عدم برنامه ریزی های مناسب، تبعاتش دامنگیر همه جامعه خواهد شد.

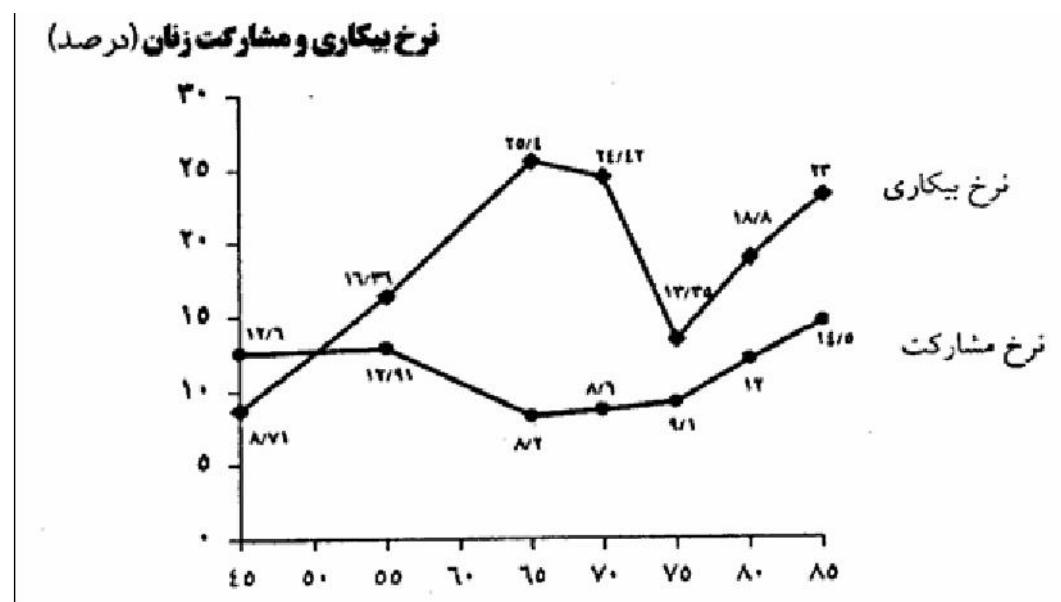
سرپرست خانواده به کسی اطلاق می شود که که قدرت قابل ملاحظه ای در مقایسه با سایر اعضای خانواده دارد معمولاً مسن ترین فرد خانواده است و مسئولیت های اقتصادی خانواده به عهده وی می باشد. بر مبنای تعریف سازمان بهزیستی زنان سرپرست خانوار زنانی هستند که عهده دار تامین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانوار می باشد (خسروی، ۱۳۸۰، ص ۲۵). در یک دسته بندی خانوارهای دارای سرپرست زن به چند گروه عمده تقسیم شده اند:

۱. **گروه اول:** خانوارهای هستند که در آنها مرد بطور دائمی حضور ندارد و زنان به دلیل فوت همسر یا طلاق بیوه شده اند یا دخترانی که ازدواج نکرده اند تنها زندگی می کنند.

۲. **گروه دوم:** خانواده های هستند که مرد بطور وقت به دلیل مهاجرت، مفقود الاثر بودن، و متواری بودن یا زندانی بودن و یا سریاز بودن غایب هستند زنان مجبور به تامین معاش زندگی خود و فرزندانشان هستند.

۳. **گروه سوم:** خانوارهای هستند که مرد حضور دارد ولی به علت بیکاری و از کار افتادگی و یا اعتیاد در امر معاش نقش ندارد و عملأ زن سرپرستی را بر عهده دارد.

**پذیرش سرپرستی خانوار از سوی زنان**  
مهم ترین علل عهده دار شدن سرپرستی خانواده به وسیله زنان در دنیا عبارتند از: مهاجرت سرپرست مرد، طلاق، ترک خانواده، بیوه شدن، مادران نوجوان بدون همسر و شاید بیش از همه این باور که هر چه پیش آید مسئولیت اداره و تامین فرزندان



باید برنامه‌ریزی دقیقی برای آن‌ها شود اما متاسفانه توجهی به این مساله نمی‌شود. ۸۰ درصد زنان سرپرست خانوار، خانه‌دار هستند، بنابراین مستمری نهادهای حمایتی به هیچ عنوان جواب‌گوی نیازهای آنها نیست، در عین حال سوءتفذیه بالایی در این نوع خانوارها مشاهده می‌شود. اینکه بیش از ۵۰ درصد خانوارهای زن سرپرست جزء فقریترین گروه‌ها هستند نیز از موارد تأسف بار در وضعیت این زنان است. درصد قابل توجهی از خانوارها هم هستند که توسط زنان اداره می‌شوند اما در سرشماری رسمی مدیریت خانوار به شمار نمی‌آیند. در خانوارهایی که مردان سرپرست خانوار بیکار، زندانی، متواری و معتماد هستند سرپرست خانوار همچنان مرد اعلام می‌شود؛ درحالی که سرپرست و تامین‌کننده مخارج خانواده زن است اما چون در نظام خانواده‌ای ما مرد سرپرست اصلی خانواده به شمار می‌آید ممکن است در سرشماری‌ها نیز به این نکته اشاره نشود.

#### اشتغال زنان

زنان اگرچه بیش از نیمی از جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند ولی سهم آنان از جمعیت اقتصادی حدود ۳۰٪ و در برخی کشورها بسیار کمتر از این رقم

مشکلات زنان سرپرست خانوار فقر، نداشتن شغل، انزوای اجتماعی، ترس و نگرانی از آینده مبهوم، محدودیت شرایط اجتماعی، ناکافی بودن حمایت‌های مالی و معنوی دولت، محدودیت خدمات بیمه‌ای و نبود تأمین اجتماعی کافی از جمله مشکلات عدیده‌ای است که این زنان با آن دست به گریبانند. همچنین نگرش منفی جامعه به ازدواج مجدد این زنان، درگیری با خانواده همسر و خانواده فرزندان ازدواج کرده و ناامنی جامعه نیز از جمله دیگر عواملی است که این زنان در زندگی هر روزه خود با آن روبرو می‌شوند<sup>۱</sup> (Chant, ۱۹۹۷). در سرشماری سال ۱۳۷۵، یک میلیون و ۳۵ هزار زن سرپرست خانوار در کشور بود که تعداد آن‌ها در سال ۱۳۸۵ به یک میلیون و ۶۴۱ هزار نفر رسیده است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵)، در حالی که اگر قرار بود روند رشد آنها همان روند سال‌های گذشته را طی کند در سال ۸۵ باید یک میلیون و ۲۰۰ هزار زن سرپرست خانوار در کشور می‌داشتم که تعداد بیشتری از رقم پیش‌بینی شده است. رشد زنان سرپرست خانوار ۳۵ درصد بیشتر از رشد مورد انتظار بوده است که به منزله هشدار است و

می‌پذیرد و اشتغال را به عنوان یکی از راه‌های افزایش قابلیت و شکوفایی استعداد انسان‌ها از جمله زنان در جهت تعالی و کمال آنان می‌پذیرد.

#### عوامل موثر بر توانمندسازی زنان عبارتند از:

۱. بر شرم بی‌مورد خود فایق گردنده.

۲. کردار و گفتار آمیخته با اعتماد به نفس و حاکی از اطمینان داشته باشند.

۳. قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خویشتن باشند.

۴. به استعدادها و محدودیت‌های درونی خویش آگاه باشند.

۵. قدرت رویارویی با مشکلات را داشته و ضمن مقابله، در رفع آنها کوشش نمایند.

۶. شناخت دقیق از اهداف مورد نظر و توان عملی ساختن آن را داشته باشند.

۷. اعتقاد به توانایی و قابلیت درونی رسیدن به خواست‌های خود را دارا باشند و بالاخره با افزایش توانمندی قادر به دستیابی به اهداف مورد نظر خود شوند (فرخی، ۱۳۷۶، ص. ۷۶).

«سارا لانگه» (۱۳۷۲) مساوات بین زنان و مردان را محور تعریف توسعه امور زنان دانسته و فرایند توسعه امور زنان را در پنج مرحله از برابری می‌داند. او تأکید می‌کند که توانمندسازی نه تنها ناشی از کسب برابری است، بلکه به همان میزان برای تعقیب اهداف برابری ضرورت دارد. مراحل برابری از نظر او عبارتند از: رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت، کنترل. این مراحل نشان می‌دهند که مدارج بالای برابری خود به خود به عنوان مدارج بالای توسعه و توانمندسازی به شمار می‌آیند. این مراحل عبارتند از:

۱. «رفاه»: در این مرحله، مسایل رفاه مادی زنان

برآورده می‌شود. در کشورهای در حال توسعه، برای زنان نسبت به مردان فرستادهای شغلی کمتری فراهم آورده می‌شود و دستمزد آنان در ازای کار برابر با مردان همواره کمتر بوده است. البته در سال‌های اخیر نگرش به زنان بسیار معقول شده و از این دیدگاه زنان نیز با تولید، مشارکت و برخورداری از امکانات به دست آمده در فرایند توسعه نقش قابل توجهی یافته‌اند و طبق نظرسنجی‌ها، عامل اقتصادی در اشتغال زنان، واجد بیشترین اهمیت است (بامداد، ۱۳۷۶).

به طور معمول فعالیت‌های اقتصادی زنان در بخش‌های رسمی اشتغال نمایدند. منظور از بخش رسمی اقتصاد، صنعت، خدمات و آن بخش از کشاورزی است که دارای نیروی کار مزدگیر باشد. در این بخش زنان از حمایت قانونی بیشتری برخوردارند. بخش غیررسمی شامل کارهای گوناگونی مانند کارهای خانگی و خانه‌داری، پرورش فرزند، فعالیت زنان روستایی در بخش کشاورزی معیشتی می‌شود. به طور معمول کار در بخش غیررسمی اشتغال و کار محسوب نمی‌شود. امروزه در جوامع غربی آن چنان به اشتغال زن در خارج از خانه توجه می‌شود که این امر به عنوان اولین و مهمترین نقش زن مطرح شده است و نقش مادری و همسری و ادامه سنتهای فرهنگی به عنوان نقش دوم و فرعی مد نظر قرار می‌گیرد (خواجه‌نوری و دیگران، ۱۳۸۴، ص. ۱۳۶). اما در تفکر اسلامی، حفظ و گسترش نهاد خانواده بر پایه ویژگیهای فطری و طبیعی زن و مرد، اولویت و اهمیت خاصی دارد و در کنار آن بر امکان اشتغال و استقلال مالی زنان تاکید شده است؛ به همین سبب است که اسلام اشتغال را برای زن هدف نمی‌داند بلکه آن را در خدمت خانواده و رفاه و آسایش آن

۱. برایسکو در بررسی ۳۹ مورد از زنان سرپرست خانوار به این نتیجه رسید که ۷۵ درصد از زنان این گروه، از بیماری‌های روانی رنج می‌برند که عمدۀ ترین آنها با طلاق همبستگی نزدیک دارد که شامل اختلالات عاطفی، شخصیت ضد اجتماعی و هیبت‌زدی می‌باشد (خسروی، ۱۳۷۴). پارکز با اشاره به افزایش مصرف مواد مخدر و منتروولات الکلی، افسردگی و خودکشی در زنان بیوه را ۲۰ تا ۲۰ درصد زنان بیوه به عنوان بیمار افسرده تشخیص داده شده‌اند که شاید بتوان افزایش این نوع رفتارهای خود تخریب‌گرایانه را حاصل افسردگی دانست. ظهور عالم روانپردازی (کلادتون، ۱۹۷۴؛ پارکز ۱۹۶۴) ابتلا به بیماری‌های روانی (بلین، هاروت، ۱۹۸۵) آغاز استفاده از خدمات روانپردازکی برای بیماران سرپایی (راپرتون ۱۹۷۴؛ اشتین و سومر ۱۹۶۹) و خودکشی (لوک و ویر، ۱۹۷۲؛ کوسنگ، ۱۹۶۶؛ سی‌گول، ۱۹۶۹) همگی در بین زنان سرپرست خانوار و فاقد همسر، متداول‌تر از افراد متأهل بوده است (خسروی، ۱۳۷۴، به نقل از مادیسون و ویبول، ۱۹۶۸).

در مقایسه با مردان در مواردی مانند وضعیت تغذیه، تهیه موادغذایی و درآمد مورد بررسی قرار می‌گیرد. زنان به عنوان افرادی تصور می‌شوند که قادر نیستند در وضع خود تغییراتی بدeneند و فقط از مزایای برنامه‌های رفاهی استفاده می‌کنند. این مرحله، مرحله صفر از مراحل توانمندسازی زنان به شمار می‌آید. فعالیت زنان برای پیشبرد رفاه مرد نسبت به مردان، آنان را درگیر فرایند توانمندسازی و درگیر مراحل بالای برابری می‌کند به عبارت دیگر اگر وضعیت رفاهی دختران به دلیل تبعیضات جنسیتی پایین است، پس توانمندسازی یعنی فایق آمدن بر این تبعیضات که از سطوح بالای برابری است. سرانجام آنکه برابری و توانمندسازی زنان باید به برابری رفاهی بینجامد. مساله رفاه زنان بدون درنظر گرفتن مسائل جنسیتی به خودی خود هدف محسوب نمی‌گردد (فواصل جنسیتی در این مرحله به معنی فقدان رفاه برای زنان در مقایسه با مردان در مسائلی مانند وضعیت تغذیه، مرگ و میر و غیره است).

**۲. «دسترسی»:** «فواصل جنسیتی» در مرحله رفاهی به طور مستقیم از مسئله نابرابری دسترسی به منابع ناشی می‌گردد؛ فواصل جنسیتی در اینجا به معنی دسترسی کمتر زنان به منابع است. برابری در این مرحله به معنای این است که زنان دارای حق مساوی در دسترسی بر طبق اصول برابری باشند؛ دسترسی به عوامل تولید، آموزش، کارهای دست مزدسر، خدمات، آموزش‌های مهارت‌زا که استخدام و تولید را ممکن می‌سازند، حتی دسترسی به دسترنج خود. توانمندسازی به معنای داشتن حقی برابر برای دسترسی به منابع در حیطه‌ی خانواده و کشور است. توانمندسازی فقط دسترسی به منابع نیست؛ زنان برای دسترسی به منابع با تبعیضات حساب شده‌ای روبرو می‌شوند که آداب و رسوم، قوانین اجتماعی برای آنها به وجود آورده است، در این مرحله توانمندسازی مرحله بالاتر آگاهی را در بر می‌گیرد.

**۳. «آگاهی»:** این مرحله از برابری شامل این است که زنان نابرابری‌های ساختاری را درک کنند. زنان باید درک کنند که مشکلات آنها ناشی از بی کفایتی‌ها و کمبودهای شخصی آنان نیست، بلکه این سیستم اجتماعی است که این تبعیض‌ها را بر آنها تحمیل کرده است. در این مرحله زنان باید تشخیص دهنده و بدانند که نقش‌های جنسیتی به فرهنگ وابسته و قابل تغییر است. در این سطح برابری به معنای باور داشتن به برابری است. تقسیم کار بر حسب جنسیت در جامعه می‌بایست مطلوب هر دو طرف باشد. توانمندسازی یعنی دیدن جامعه از ورای فواصل جنسیتی و پس زدن آنها.

**۴. «مشارکت»:** مشارکت در اینجا به معنی مشارکت برابر زنان در تصمیم‌گیری است یعنی حضور زنان در تمام مراحل، بررسی نیازها، شناسایی مشکلات، برنامه‌ریزی مدیریت، اجرا و ارزشیابی. برابری در مشارکت به معنی شرکت زنان در تمامی پروژه‌هایی که به آنان مربوط است و دخالت دادن آنها باید نسبت به تعدادشان باشد. چنین افزایش حضوری به منزله توانمندسازی و یک عامل بالقوه مشارکت به سوی افزایش سطح توانمندسازی است.

**۵. «کنترل»:** افزایش مشارکت زنان در حد تصمیم‌گیری، آنها را به سوی توسعه فزاینده سوق داده و تواناتر می‌نماید، به گونه‌ای که این مشارکت برای کسب افزایش کنترل عوامل تولید و تضمین برابری دسترسی به منابع و توزیع عادلانه منافع باشد. برابری در کنترل به معنای توازن قدرت بین زنان و مردان است و این به معنای آن است که هیچ کدام از آنها در مقام فرمان روایی نخواهند بود. «فواصل جنسیتی» شکلی از قدرت نابرابر بین زنان و مردان تلقی می‌شود؛ به عنوان مثال در اینجا، کنترل شوهر بر کار و درآمد همسرش، به این معناست که قدرت تولید زن ممکن است افزایش یابد ولی صرف تأمین رفاه خود و فرزندانش نشود. منظور از توانمندسازی تعویض مردسالاری به زن سالاری نیست بلکه بیشتر برای معرفی برابری جنسیتی در فرآیند توسعه است.

# میری شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۱۲۳

برابری در کنترل برای استفاده از سود بردن زنان لازم است (لانگه، ۱۳۷۲، صص ۳۲ - ۲۷).

## نظریات جامعه شناسی درباره زنان سرپرست خانوار

در این محلات، معاملات مواد مخدر، افت تحصیلی تولدهای نا مشروع و دریافت کمک های دولتی شایع است.

ج: نظریه طبقاتی و ناتوانی دولت ها؛ صاحب نظران در این نظریه معتقدند که فقر و آسیب پذیری مقوله ای طبقاتی است نه جنسیتی به عبارت دیگر زنان یا تمام زنان سرپرست خانوار در معرض فقر و آسیب پذیری نیستند بلکه آن گروهی که از نظر طبقاتی در رده پایین اجتماع قرار می گیرند بیشتر در معرض آسیب هستند. به عقیده طرفداران این نظریه مردم به دلایل سن و جنس یا خصیصه های نژادی و قومی شان فقیر نمی شوند بلکه به دلیل قرار گرفتن در طبقه ای خاص است که فقیر و در وضعیت اجتماعی و اقتصادی قرار می گیرند و به شمار می آیند. مهمترین شاخص تعیین طبقه عبارت است از: شاخص درآمد، تحصیل، شغل یعنی همه زنان آسیب پذیر نیستند بلکه گروهی که درآمد کمتر، تحصیلات کمتر، شغل کم منزلت تر دارند و در طبقه پایین اجتماع قرار دارند آسیب پذیرند. به عقیده این گروه با بزرگ کردن آسیب پذیری زنان سرپرست خانواده زنان در مقابل مردان پیر جوان سفید و سیاه قرار می گیرند. در واقع آسیب پذیری زنان سرپرست خانوار و همه افراد بی بضاعت فرایند اجتماعی و اقتصادی مشترکی است که همگی آنها را از دسترسی به شرایط مناسب محروم می کند. این شرایط خانواده ها را از هم می گسلاند و تشکیل خانواده را با این شرایط اجتماعی و اقتصادی مشکل می کند.

۵: نظریه کنش؛ برخلاف نظریه قبلی که جنبه ساختاری و کلی داشت و با دید کلی و ساختی به بررسی مسائل زنان می پرداخت طرفداران نظریه کنش از جنبه دیگری به طرح مسئله می پردازند. به نظر آنان اگرچه خانواده های زن سرپرست مشکلات متعددی دارند (به دلیل تحصیلات کم و تبعیض در بازار کار) ولی این مسئله به معنای آن نیست که ایشان مطلقاً از این شرایط تاثیر می گیرند و

الف: نظریه زنانه شدن فقر یا آسیب پذیری زنان سرپرست خانوار؛ طرفداران این نظریه نشان می دهد که خانواده هایی که سرپرستی آنان بر عهده زنان می باشد نه تنها در همه کشور های جهان گسترش یافته اند بلکه به درصد خانواده های سرپرست زن که جمعیت کم درآمد قرار می گیرند افزوده شده است این مسئله حتی در کشورهایی که پیشرفت ترین قوانین را به نفع زنان داشته اند (کشورهای فمینیسم و یا دارای سیاستهای موافق فمینیستی) دیده شده است در این کشورها به رغم کمکهای دولتی به این زنان فرایند فقیر شدن آنان همچنان ادامه دارد از طرفی مشکلات این زنان عدم دسترسی به مشاغل با منزلت اجتماعی بالا است این زنان یا بیکارند یا مشاغل نیمه وقت کم درآمد دارند اگر مشاغل دارای منزلت بالا باشد مسئله تنظیم وقت برای انجام کار خانه و کار بیرون از خانه است این مشکل را صاحب نظران فقر زمانی نامیده اند و فقر زمانی اگر با فقر مادی همراه شود آسیب پذیری این قشر را دوچندان می کند (گیدنیز، ۱۹۸۹).

ب: نظریه ساختی کارکردی؛ براساس این نظریه خانواده های زن سرپرست اساساً با شکل طبی و سنتی خانواده های دو والدی در تضاد و پیدایش این گونه خانواده ها نوعی انحراف محسوب می شود. در این خانواده ها به علت غیبت پدر و مادر زندگی زوجی تاحدی کاهش می باید عدم اقتدار پذیری پدر برای ساماندهی زندگی خانواده با بحران اقتصادی و اجتماعی روبرو می شود بحرانی که با ورود مادر به بازار کار به جای انجام وظیفه سنتی خانه داری شروع شده به وجود می آید. براساس این نظریه طبقه زیرین از افراد منزوی تشکیل شده که در محلات غیرسازمان یافته ساکن اند؛ در این محلات حضور خانواده های زن سرپرست میزان بالای جنایت

نمی توانند بر مشکلات خود فایق آیند. به عبارت دیگر نمی توان این گونه از زنان قربانی و منفعل در برابر شرایط دانست بلکه باید با بررسی تجربه های شخصی این زنان راههای مبارزه با شرایط حاکم بر زندگی آنان را از نزدیک شناخت. در برخی از شهرهای آفریقای غربی زنان معتقدند در نبود مردان بهتر میتوانند خانواده را سازماندهی کنند در مکریک زنان سرپرست خانوار زندگی تنها را بهتر از زندگی مردان غیر مسئول می دانند سایر بررسی ها نشان میدهد که سرپرستی خانواده در خانواده های زن سرپرست موجب افزایش استقلال و آگاهی طبقاتی زنان شده است. در حوزه جامعه شناسی زنان سرپرست با مسائل و مشکلاتی نظیر عدم و عبارت‌اند از:

۱. احساس ارزش داشتن؛
۲. حق مالکیت و تصمیم‌گیری؛
۳. حق دسترسی به فرصت‌ها و منابع؛
۴. حق کنترل زندگی خود در داخل و بیرون از خانه طبقاتی زنان شده است. در حوزه جامعه شناسی زنان سرپرست با مسائل و مشکلاتی نظیر عدم و

دسترسی به فرصت‌های شغلی مناسب سطح پایین.<sup>۵</sup> قدرت تأثیرگذاری بر جریان تغییرات اجتماعی تر تحصیلات در بین فرزندان شان افزایش بزهکاری برای به وجود آوردن نظام عادلانه‌تر اقتصادی فقر در ابعاد مختلف روبرو هستند. طرفداران نظریه اجتماعی در محدوده‌ی ملی و جهانی. طبقاتی نیز اولاً آسیب پذیری و فقر زنان سرپرست تغییر کاربری بافت‌های فرسوده به مراکز

خانوار را پدیده ای عمومی می داند ثانیاً علت اصلی فرهنگی - اقتصادی زنان (شهربانو) آن را به نظام اقتصادی نابرابر یعنی سرمایه‌داری نسبت از جمله اقدامات بهزیستی اجرای طرح توامندسازی میدهد؛ بنابراین در شبکه خویشاوندی و در ارتباط با زنان سرپرست خانوار با افزایش توانایی‌های فردی و اقتصادی و آشنایان و در عین حال چگونگی گذران اوقات جمعی زنان از طریق فراهم کردن ضوابط و امکانات فراغت آنان خلاههای جبران ناپذیری به وجود می لازم به منظور بهبود دسترسی زنان به فرصت‌های آید (رابرتسون، ۱۳۷۲، ۱۳۶).

از سوی دیگر با توجه به دیدگاه اقتصادی وضعیت می‌باشد. خدمات مورد نظر دراین طرح شامل اشتغال زنان بعد از فوت شوهر به دلیل وابستگی پرداخت مستمری و کمک هزینه جهت وام مسکن به او در زمان حیات و عدم حمایت سازمان‌های از و اشتغال، اجرا و تقویت برنامه‌های کاریابی، تقویت او دچار مشکلات عدیدی می‌گردد. در این ارتباط خدمات بیمه‌ای، خدمات مشاوره و مددکاری، آموزش موضوع خود اشتغالی و کارافرینی مطرح می‌گردد مهارت‌های زندگی، ارتقای آگاهی‌های عمومی، که زنان سرپرست خانوار می‌تواند با آموزش مهارت اصلاح باورهای نادرست در مورد زنان سرپرست در نتیجه افزایش توانایی‌های خود و دریافت وام و خانوار بوده است. در این زمینه موارد زیر ضروری اعطای سهام به آنها از سوی سازمان‌ها به نوعی بمنظور می‌رسد: «آموزش مهارت‌های شغلی و اجرای مورد حمایت قرار گرفته و خودکفا شوند. لذا وقتی برنامه‌های آموزش‌های حرفه‌ای برای زنان بیکار یا کشوری می‌خواهد بر موانع مرتبط با فقر و توسعه جویای کار سرپرست خانوار به منظور برخورداری آنان غلبه کند، موضوع توامندسازی و مشارکت زنان از دانش و مهارت‌های جدید و افزایش فرصت‌های گامی لازم برای قرارگرفتن در مسیر توسعه انسانی شغلی آنان؛ ایجاد تعاوی‌های تولید و خدمات ویژه و مدیریت استعدادها، اهداف توسعه هزاره و سایر زنان سرپرست خانوار؛ اتخاذ تمهیدات لازم نظیر

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۱۲۵

مورد تأکید قرار می دهد؛ چنانچه شهرداری تهران در مجموعه هایی تحت عنوان شهربانو به این مهم همت گماشته است.

## مرکز امور بانوان شهرداری تهران

شهرداری تهران و بالاخص مرکز امور بانوان شهرداری تهران با ایجاد رویکردي جدید و توجه گسترده تری به حضور فرهنگی و اجتماعی خود در شهر تهران، سعی در بهبود و ارتقاء سطح فرهنگی و اجتماعی بانوان شهر تهران نموده است و با نهادسازی در حوزه زنان، توانمندسازی و توان افزایی، زمینه های لازم برای مشارکت زنان در عرصه های اجتماعی و فرهنگی شهر تهران نموده است. در ادامه به اسناد فرادستی و مصوب شهرداری و چشم انداز شهرداری و تدبیر شهرداری تهران در رابطه به ارتقا جایگاه زنان در حوزه مدیریتی و خدمات رسانی به این قشر به اختصار اشاره می شود. بر اساس برنامه پنج ساله شهرداری تهران مورخ ۸۸/۰۹/۱۱ بند ۷ برنامه های مرتبط با راهبرد چهارم سند طرح جامع شهر مرتبط با راهبرد چهارم سند طرح جامع شهر تهران، شهرداری موظف است به منظور حمایت از توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، دختران و کوکان در معرض آسیب و آسیب دیده اجتماعی و سالماندان نسبت به تهیه و ارایه برنامه مشخص در راستای موارد ذیل اقدام نماید:

۱. حمایت و توانمندسازی زنان و دختران در معرض آسیب و آسیب دیده با همکاری سازمانهای دولتی و غیر دولتی مسئول.

۲. حمایت از ظرفیت سازی سازمان های غیر دولتی، نهادهای مدنی و کانون های زنان به منظور ارتقاء توانمندی آنان در حمایت از زنان و دختران در معرض آسیب و آسیب دیده.

۳. گسترش واحدهای مشاوره روانی و حقوقی در مراکز مهارت آموزی.

۴. گسترش آموزش های فنی و حرفه ای و مهارت های زندگی به زنان و دختران.

۵. ارایه طرح جامع مداخلات شهرداری به عنوان سهم و مشارکت شهرداری تهران در تأمین مسکن

اجاره به شرط تمليک و وام مسکن و وام اجاره مسکن جهت حل مشکل مسکن زنان سرپرست خانوار؛ اعطای کمکهای بلاعوض، بن ارزاق، طرح اکرام، تهیه سبد غذایی رایگان برای زنان نیازمند سرپرست خانوار با لحاظ اصل حفظ کرامت آنان؛ اختصاص بازارچه های دائمی خوداشتغالی ویژه زنان سرپرست خانوار؛ ایجاد بنگاههای کوچک زودبازده جهت اشتغال زنان سرپرست خانوار ترجیحاً با مدیریت زنان؛ گسترش اشتغال خانگی زنان سرپرست خانوار از طریق شناسایی و آموزش مشاغل خانگی درآمدزا به منظور اختصاص فرصت کافی برای تربیت فرزندان آنها؛ ضرورت تأسیس صندوق حمایت از زنان بی سرپرست و سرپرست خانوار در جهت استقلال و خودکفایی آنها؛ ایجاد مراکز مشاوره و امکان بهرهمندی از خدمات مشاوره ای رایگان برای خانواده های زن سرپرست؛ برگزاری جشنواره های خاص جهت تمجید از خدمات زنان سرپرست خانوار شاغل جهت حفظ کانون خانواده؛ ارائه کمکهای مختلف اقتصادی با لحاظ حفظ، عزت و حرمت زنان سرپرست خانوار؛ ارائه خدمات آموزشی، تربیتی و مشاوره ویژه فرزندان زنان سرپرست خانوار؛ ایجاد انگیزه جهت ارتقای دانش و سواد در بین زنان سرپرست خانوار؛ فرهنگسازی در خانواده ها جهت حمایت از زنان سرپرست خانوار در کنار حمایت های پدرشوهر و قیم قانونی؛ باز تعریف واژه زنان سرپرست خانوار از سوی مرکز آمار ایران جهت رفع معضل کم شماری خانوارهای زن سرپرست؛ آموزش مهارت های شغلی و حرفه ای جهت کاریابی و اشتغال زنان جویای کار سرپرست خانوار؛ ارتقای اطلاعات و آگاهی ها و آموزش زنان سرپرست خانوار و فرزندان آنها؛ آموزش مهارت های زندگی در مواجهه با بحران های زندگی.»

شایان ذکر است که همه موارد فوق نیازمند وجود مراکزی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی برای بانوان و خاصه زنان سرپرست خانوار است که ضرورت در نظر گرفتن تغییر کاربری فضایی برای این اقشار را

**ایجاد، تجهیز و توسعه پارک های بانوان:** توسعه پارکها و پردهسیاهای درون شهری برای بانوان در مناطق کلانشهری از زمرة موارد مهمی است که با توجه به گمبود فضاهای تخصصی یافته به زنان در شهر، معنادار نشان می دهد. ایجاد پارک بانوان در مناطق<sup>۳، ۱۵، ۱۸</sup> تنها موردی بوده است که در اداره کل امور بانوان مورد توجه بوده است و دیگر مناطق در این رابطه به دلایل متعدد مغفول مانده اند. لذا در مناطق محروم پایین شهر زنان شهروند از عدالت لازم در برخورداری از فضاهای سبز و پارکهای درون شهری برخوردار نبوده اند.

**تجهیز کتابخانه های تخصصی بانوان:** در رابطه با کتابخانه ها و مراکز فرهنگی برای بانوان نیز باید گفت که پراکنش مراکز فرهنگی و کتابخانه ها برای زنان نشان از آن دارد که در این رابطه هم عدالت دیده نمی شود. تنها تجهیز کتابخانه های مناطق<sup>۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۵، ۱۴، ۹، ۸، ۶، ۳</sup> بوده است و ۱۱ منطقه دیگر مورد توجه قرار نگرفته اند، هرچند که برخی از آنها قبلاً از این مراکز برخوردار بوده اند.

**خدمات رسانی و برنامه های ورزش بانوان:** اقدامات شهرداری در این رابطه عبارتند از: مسابقات ورزش محلات؛ ایستگاه های تندروستی؛ آموزش ورزش شهروندی؛ مسابقات ورزش کارکنان؛ نمایشگاه ورزش شهریوندی.

## توانمندسازی زنان شهریوند تهرانی

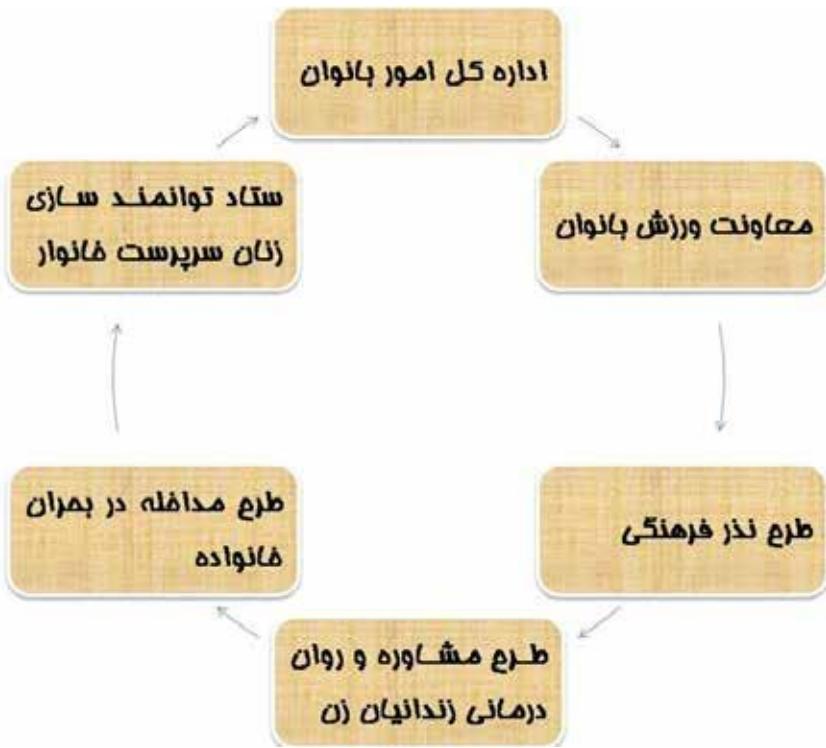
ستاد توانمندسازی در جهت توان افزایی زنان سرپرست خانوار اقداماتی را در حوزه اشتغال آفرینی، آموزشی، مشاوره، امور رفاهی و حمایتی انجام داده است. با ایجاد ۸۷ مرکز مهارت آموزی کوثر و تجهیز ۳۳ مرکز به کتابخانه و توسعه مشاغل خانگی و ایجاد اشتغال برای ۴۰۰۰ نفر در این مراکز در طی ۵ سال گذشته و هم چنین ایجاد بازارچه های دائم و فصلی در سطح شهر تهران و ایجاد اشتغال برای ۲۹۸۵ نفر از زنان سرپرست خانوار، اقدامات مهمی را در جهت مشارکت زنان شهر تهران نموده است. لازم

حمایتی زنان سرپرست خانوار.

تدابیر شهرداری تهران بر اساس چشم انداز سند توسعه پنج ساله نیز عبارت است از: انتصاب مشاور شهردار در امور بانوان؛ تشکیل اداره کل امور بانوان؛ تشکیل اداره امور بانوان در مناطق<sup>۲۲</sup> گانه شهرداری تهران؛ تشکیل ستاد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار؛ انتصاب مشاور شهرداران مناطق<sup>۲۲</sup> گانه شهرداری تهران در امور بانوان؛ تعیین نمایندگان امور بانوان در تمامی واحدهای تابعه شهرداری؛ تعیین مشاوران امور بانوان در سازمان ها، شرکت ها و واحدهای تابعه شهرداری؛ تشکیل شورای راهبردی امور بانوان و کمیته های تخصصی؛ تشکیل و راه اندازی خانه های تسنیم در سطح محلات؛ ایجاد کانون های بانوان و شناسایی و جلب مشارکت ذینفعان محلی، سازمان های اجتماع محور و گروه های همیاری اجتماعی بانوان محلات. در ادامه ساختار عملکردی شهرداری تهران در حوزه زنان مورد اشاره قرار می گیرد.

**سـرـانـه دورـه هـای آـمـوزـشـی برـای بـانـوان سـرـپـرـست:** بـایـد گـفـت کـه منـاطـق<sup>۲۱، ۱۱ و ۳</sup> به ترتیب بـیـشـترـین و منـاطـق<sup>۲۰، ۱۹ و ۸</sup> کـمـترـین مـیـزان رـا بـه خـود تـخصـص دـادـه اـنـد. در کـل بـایـد گـفـت کـه ضـرـبـ چـوـلـگـی پـرـشـ در مـیـزان خـدمـات رـسانـی نـشـانـ اـز آـن دـارـد کـه تـعـادـل لـازـم در اـین رـابـطـه در سـطـوح خـدمـات رـسانـی بـه بـانـوان در حـوزـه بـرـگـزـارـی دورـه هـای آـمـوزـشـی و آـمـوزـشـ بـانـوان شـهـرـ تـهـرـان در منـاطـق<sup>۲۲</sup> گـانـه دـیدـه نـمـی شـود.

**ایجاد، تجهیز و توسعه مجموعه های بانوان:** در این رابطه با وجود خدمات ارزنده در ایجاد مجموعه های فرهنگی برای زنان لیکن هیچ گونه تعادلی در انتخاب و ارائه خدمات دیده نمی شود؛ چنانچه تنها ۹ مجموعه شهربانو در مناطق<sup>۱، ۲، ۸، ۱۵، ۱۴، ۹</sup>، ۱۸، ۲۰ ایجاد شده است که در مناطق دیگر این موضوع مغفول مانده است. لذا دیگر مناطق که مشتمل بر ۱۳ منطقه هستند از این مجموعه ها محروم مانده اند.



## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۱۵۱۵  
No.39 Summer 2015

۱۲۷

نمودار ۲. ساختار عملکرد شهرداری تهران در حوزه زنان؛ مأخذ: نگارنده بر اساس گزارش امور بانوان شهرداری تهران.

**۲. ترویج سبک زندگی اسلامی در حوزه زنان**: اقدامات شهرداری تهران در این رابطه عبارتند از: اقدامات مطالعاتی، پژوهشی و راهبردی؛ طرح های فرهنگی و اجتماعی؛ اقدامات فرهنگی و ترویجی.

**۳. ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی**: این اقدامات عبارتند از: ۱. اقدامات راهبردی و اجتماعی و فرهنگی؛ و ۲. اقدامات فرهنگی، آموزشی و ترویجی.

**۴. توانمندسازی و ارتقاء قابلیت های بانوان**: مشتمل بر: ۱. اقدامات راهبردی و اجتماعی و فرهنگی؛ ۲. اقدامات فرهنگی، آموزشی و ترویجی. زمینه سازی به منظور جلب مشارکتها و ارتقاء سرمایه اجتماعی بانوان؛ اقدامات شهرداری تهران در این رابطه عبارتند از: اقدامات راهبردی و اجتماعی و فرهنگی؛ نهادسازی و جلب مشارکت شبکه های اجتماعی.

به ذکر است ۲۶۵۹۶ نفر ساعت مشاوره برای زنان و فرزندانشان انجام گردیده است.

**اقدامات شهرداری تهران در حوزه زنان** بر اساس سرشماری سال ۸۹، جمعیت بانوان شهر تهران ۴۰۶۰۷۴۴ نفر می باشد. جدول تفکیکی جمعیت بانوان شهر تهران بر اساس گروه های سنی مختلف به شرح زیر است:

اداره کل امور بانوان فعالیت های خود را بر رویکردهای زیر با تمرکز بر ماموریت تعمیق مبانی دینی دنبال کرده است.

**۱. تحکیم و اعتلاء بنیان خانواده**: این اقدامات شهرداری عبارتند از: طرح های اجتماع محور در حوزه خانواده؛ طرح های فرهنگی، آموزشی و ترویجی؛ اقدامات مطالعاتی و پژوهشی؛ اقدامات زیرساختی؛ اجرای برنامه های اجتماع محور در حوزه آسیب شناسی؛ مشتمل بر: طرح پیشگیری از آسیب های اجتماعی، طرح کاهش خطرپذیری.

جدول ۵. جدول تفکیکی بانوان شهر تهران؛ مأخذ: نگارنده بر اساس مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹.

کل جمعیت زنان	خردسالان و کودکان	نوجوانان و جوانان	بزرگسالان و میانسالان	سالمدان
۳۴۸۹۰۳	۱۵۸۲۲۶	۱۶۵۱۹۰۸	۴۹۲۲۵۸	۴۰۶۰۷۴۴

در جهت ارتقاء فرهنگ معنوی و اخلاقی در سطح منطقه از طریق برگزاری دوره های آموزش قرآن و اخلاق به فرزندان و بانوان از دیگر خدمات مجموعه شهربانو است.

با توجه به گستردگی و توسعه روز افزون کلان شهر تهران و تنوع خرد فرهنگها و وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود در آن، به تناسب وضعیت حاکم بر مناطق شمالی، جنوبی، شرقی و غربی و مرکزی در تهران، مراکز شهربانو در هر کدام از مناطق مذکور ایجاد شده تا بتوان به تناسب وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر یک، برنامه ها و فعالیت های مناسب با آنها را طراحی و اجرا کرد. قطعاً معماری و مدیریت چنین مرکزی نشان از تغییر کلیشه های فرهنگی جنسیتی در جامعه جهت تغییر نگرش سلبی به نگرش ایجابی، گسترش ارتباطات اجتماعی در جهت استحکام هویت و شخصیت و تقویت توانمندیها و در نهایت ایجاد احساس خود از شمندی بانوان خواهد داشت. ایجاد ضرورت ایجاد مراکز شهربانو در سطح شهر تهران بایستی به رویکرد شهردار محترم در سند ۵ ساله توسعه و طرح جامع شهر تهران در الزام مدیریت شهری به اتخاذ تدبیر ویژه برای تسهیل زندگی دختران و بانوان تهرانی از طریق فراهم نمودن زمینه های بهره مندی ایشان از امکانات و فضاهای شهری اشاره نمود. شکل گیری مکان های که زن مسلمان محجبه ای ایرانی بتواند نیازهای ضروری فرهنگی، هنری، اقتصادی، تفریحی، ورزشی و .. خود را در یک محیط امن و سالم برآورده کند. شهربانو به عنوان مرکزی زنانه عهده دار ارایه خدمات مختلف به بانوان منطقه و فرزندان دخترشان است. علاوه بر این، ارتقاء سطح فرهنگی و اجتماعی بانوان منطقه از طریق ارایه خدمات مشاوره ای، کلاس ها و بروشورهای آموزشی، ترویج فرهنگ ورزش، ایجاد بسترهای مناسب جهت کسب مهارت های تولیدی با رویکرد اشتغال زایی به منظور ارتقاء فرهنگ تولید در خانواده و جامعه از دیگر زمینه هایی است که مراکز شهربانو در آن فعالیت می کنند. ارایه تسهیلات برای مشاغل خانگی از طریق راه اندازی بازارچه های کوثر، تلاش

##### ۵. «برنامه های معاونت ورزش شهرداری تهران»:

۶. «توانمندسازی زنان شهری تهرانی»: ستاد توانمندسازی در جهت توان افزایی زنان سرپرست خانوار اقداماتی را در حوزه اشتغال آفرینی، آموزشی، مشاوره، امور رفاهی و حمایتی انجام داده است. با ایجاد ۸۷ مرکز مهارت آموزی کوثر و تجهیز ۳۳ مرکز به کتابخانه و توسعه مشاغل خانگی و ایجاد اشتغال برای ۴۰۰۰ نفر در این مراکز در طی ۵ سال گذشته و هم چنین ایجاد بازارچه های دائم و فصلی در سطح شهر تهران و ایجاد اشتغال برای ۲۹۸۵ نفر از زنان سرپرست خانوار، اقدامات مهمی را در جهت مشارکت زنان شهر تهران نموده است. لازم به ذکر است ۲۶۵۹۶ نفر ساعت مشاوره برای زنان و فرزندانشان انجام گردیده است.

یکی از مصادیق تغییر کاربری اراضی و بافت های فرسوده ایجاد مراکز فرهنگی و اقتصادی به نام شهربانو است که در تعریف آن آمده است:

«شهربانو مرکزی زنانه است که سعی دارد بتواند نیازهای ضروری فرهنگی، هنری، اقتصادی، تفریحی، ورزشی زن مسلمان ایرانی را در یک محیط امن و سالم برآورده کند. شهربانو به عنوان مرکزی زنانه عهده دار ارایه خدمات مختلف به بانوان منطقه و فرزندان دخترشان است. علاوه بر این، ارتقاء سطح فرهنگی و اجتماعی بانوان منطقه از طریق ارایه خدمات مشاوره ای، کلاس ها و بروشورهای آموزشی، ترویج فرهنگ ورزش، ایجاد بسترهای مناسب جهت کسب مهارت های تولیدی با رویکرد اشتغال زایی به منظور ارتقاء فرهنگ تولید در خانواده و جامعه از دیگر زمینه هایی است که مراکز شهربانو در آن فعالیت می کنند. ارایه تسهیلات برای مشاغل خانگی از طریق راه اندازی بازارچه های کوثر، تلاش

۱. ایجاد، تجهیز و توسعه مجموعه های شهری بانوان، پارک های بانوان، تجهیز کتابخانه های تخصصی بانوان، طراحی، راه اندازی و بروزرسانی سایت اداره کل امور بانوان، و سایت همراه یاس ویژه زنان شهیده، جانباز و ایثارگر، طراحی و راه اندازی سامانه بانک اطلاعات بانوان.

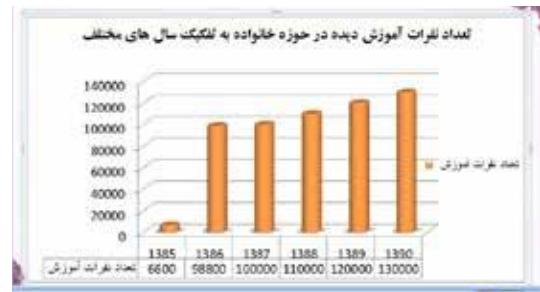
# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

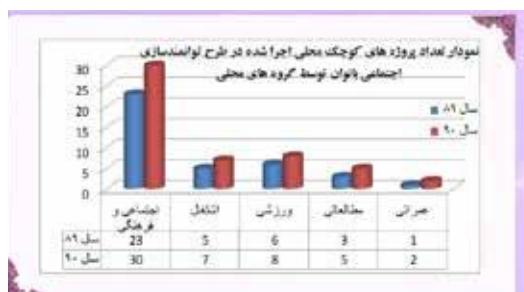
۱۲۹



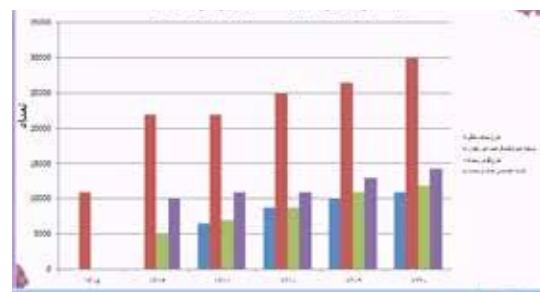
نمودار ۶. افراد آموزش دیده در حوزه خانواده؛  
ماخذ: گزارش طرح تحقیقاتی مرکز بانوان شهرداری  
تهران: ۱۳۹۱.



نمودار ۵. افراد تحت پوشش طرح غنچه های شهر؛  
ماخذ: گزارش طرح تحقیقاتی مرکز بانوان شهرداری  
تهران: ۱۳۹۱.



نمودار ۸ (سمت چپ). تعداد پروژه های محلی در طرح اجتماعی بانوان؛ مأخذ: گزارش طرح تحقیقاتی مرکز بانوان شهرداری تهران: ۱۳۹۰.



نمودار ۷ (سمت راست). استفاده کنندگان از برنامه های بانوان طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۹۰؛ مأخذ: گزارش طرح تحقیقاتی مرکز بانوان شهرداری تهران: ۱۳۹۰.

در جوامع جهان سوم که زن بودن خود به تنها ی تبعات و مسائلی را در پی دارد؛ سربرست خانوار بودن زنان می تواند مشکلات پیچیده تری ایجاد کند. زنان سربرست خانوار با مشکلات و معضلات عدیده ای روبرو هستند که این مسائل و مشکلات شامل مشکلات اقتصادی و فقر، مشکلات روحی و روانی، مشکلات آموزشی و مهارتی، مشکلات جسمی و سلامتی، مشکلات اجتماعی، مشکلات مربوط به بیمه و تجرد قطعی می شود که در واقع هر کدام از عوامل به نوعی می تواند موجود عوامل دیگر باشد. به دلیل این عامل مشکل زا و پیامدهای آن، باید تلاش هایی در جهت توسعه‌سازی این زنان صورت بگیرد که این مهم همیاری جدی دولت و شخص این زنان را می طلبد. مسئله دیگری که در این مجال فرصت طرح شدن می یابد تغییر نگرشی

ایجاد فرصت های شغلی برای بانوان اختصاص دارد. نتیجه گیری و جمعبندی یکی از معضلات و مشکلات زنان در جوامع جهان سوم، فقر و محرومیت است که از دستیابی زنان به امکانات و مهارت های لازم برای توانمند شدن جلوگیری به عمل می آورد و سبب می شود که زنان برای برعهده گرفتن نقش های اجتماعی از توانایی های لازم برخوردار نباشند؛ ولی مسئله اینجاست که در صورت نبود مردان، این نقش ها به اجبار به زنان سپرده می شود اگرچه زنان، توانایی لازم برای برعهده گرفتن این مسئولیت را داراندند. زنان سربرست خانوار یکی از گروه های جامعه هستند که به دلیل مسائل و مشکلات پیش رونده ای که دچار آن می باشند، به عنوان یکی از افسار آسیب دیده جامعه، نیازمند بررسی و مطالعه هستند.

تعداد زنان آگاه، تحصیل کرده، ماهر و متخصص افزایش یابد، گستره‌ی توانایی‌های جامعه نیز وسعت می‌یابد. و کلام آخر آن که اقدامات نمادین و نمایشی چاره‌ی کار نیست. جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل اصل دانستن «کرامت انسانی» دارای بهترین شرایط برای شناسایی امور و احراق حق مستضعفین جهان از جمله زنان است؛ لذا راه حل‌هایی برای تغییر وضعیت موجود، به کلیه زنان جهان ارایه می‌نماید. توصیه و پیشنهاد به سازمانهای غیر دولتی زنان (NGO) در رابطه با زنان عبارتند از:

۱. زنان باید همبستگی اجتماعی خود را ارتقاء داده و بانوان مشخصی که دارای زمینه ذهنی آماده‌تری هستند می‌توانند شرایط رشد، پرورش، و تعالی حساسیت سایر زنان را تامین نموده و توجه آن‌ها را از مشکلات ریز اجتماعی به حضور در تصمیم‌گیری‌های کلان تشویق نمایند تا بتوانند در توسعه امنیت و آزادی مشارکت پیدا کنند.
۲. همبستگی اجتماعی باید از نظر فرهنگی، به توسعه تفahم اجتماعی، از نظر اقتصادی، به توسعه تعاوون و همکاری اجتماعی و از لحاظ سیاسی، به توسعه امنیت اجتماعی منجر گردد.
۳. هدف از فعالیت و مشارکت اجتماعی زنان، ارتقاء سطح فکری آنان در امور سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، مقابله با مظلالم جهانی (نه مقابله با مرد و طرح برابری‌ها یا اختلاف جنسی) از طریق ایجاد حادثه و تغییر جهت‌حوادث جهان به نفع قشر مظلوم می‌باشد.
۴. توصیه به مسؤولین سازمان ملل و کنفرانس‌های بین‌المللی که در تنظیم و تصویب قوانین (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی) جهانی حقوق زنان را به طور کامل رعایت نمایند.
۵. بررسی و مطالعه در روش اطلاع رسانی، تنظیم اطلاعات، تکنولوژی، توزیع آن از طریق شبکه‌های اطلاع رسانی جهانی و مبارزه با طبقاتی شدن اطلاعات و فرهنگ به نفع قشر قدرتمند.
- پیشنهادهای که برای دست‌یابی به این مهم ارایه

ست که نسبت به حرفه‌ی خیاطی صورت گرفته است و باعث شده است که امروزه آن شغل امن و زنانه‌ی دیروز نگاههای ناخواشایندی را به خود معطوف کند که البته عامل اصلی آن زنان و دخترانی هستند که از محیط‌های آسیب‌زا خود، مسائل و مشکلاتشان را به این محیط تسری می‌دهند. باید به توانمندسازی زنان به صورت پدیده‌ی ملموس و واقعی، یعنی چنان که هست، به صورت عینی و با توجه به محتوای فلسفی و بیژه‌اش بر خورد کرد. بنابراین برنامه‌ریزی‌ها و ارائه‌ی طریق‌ها باید با توجه به مسائل فرهنگی و چالش‌هایی که در سنت‌ها، راه و رسم زنده‌گی و شیوه‌ی تفکر افراد ایجاد می‌شود، صورت پذیرد تا از همان آغاز، منجر به واکنش‌های نامناسب، پیش‌داوری غیرمنطقی همراه با ارزیابی‌های اخلاقی احتمالی به وسیله‌ی افراد با نگرش‌های مختلف نگردد. از آنجا که هر گونه برنامه‌ریزی برای توانمندسازی زنان در یک توسعه پایدار، ناگزیر با توجه به الگوها و نگرش‌ها و یافته‌های غربی موجود خواهد بود، توجه به شرایط اجتماعی اقتصادی و سیاسی هر منطقه و در نهایت کشور از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است. به این ترتیب، مسأله‌ی مهم، ایجاد رابطه‌ی ظریف و دقیق بین فن‌آوری جهانی - هیچ عاملی نمی‌تواند آن را از پیش‌روی باز دارد - و فرهنگ‌ها و فضیلت‌های تصوری و یا واقعی موجود در جامعه است. هر گونه بی‌توجهی به موارد مذکور و اشتباه ممکن است موجب واکنش‌های منفی و واپس‌گرایانه و یا مثبت غیرمعقولانه شود. رسانه‌ها و کتابهای درسی در ایجاد تغییر و حذف کلیشه‌های نقش سنتی و کهنه از زنان و مردان نقش مهمی را می‌توانند ایفا کنند. ارائه تصویر مثبت از مشارکت زن و مرد در خانواده، جامعه و زنده‌گی فردی باعث پویایی و تداوم توسعه پایدار خواهد شد، اعتماد و عزت نفس به دختران نوجوان داده می‌شود و دوگانه‌گی شخصیتی پیدا نخواهد کرد. اعتماد به نظام اجتماعی و آموزش و نهادهای جامعه مستحکم خواهد شد و هرچه قدر

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۱۳۱

ارتقاء ظرفیت های بانوان و یا در زمینه اقدامات آموزشی و ترویجی برای ایشان موارد زیر پیشنهاد می شود مشتمل بر: برگزاری جشنواره سراسری خوشنویسی کوثر، برگزاری کارگاه های آموزشی و جشنواره و نمایشگاه، جشنواره سراسری بهترین ها از دوریختنی ها، برگزاری کارگاه های آموزشی برای بانوان سرپرست خانوار، جشنواره سراسری برای زنان و زندگی شهری. همچنین برای زمینه سازی در راستای جلب مشارکت زنان اقدامات پیشنهادی مشتمل اند بر: طرح اجتماع محور ارتقاء هویت و تعلق محله ای بانوان، تهیه نیمرخ تعلق محله ای بانوان محلات، تشکیل گروه های همیاری اجتماعی، جلب مشارکت ذینفعان محلی، برگزاری کارگاه های آموزشی، طراحی و تسهیلگری پژوهش های کوچک محلی در زمینه ارتقاء ظرفیتهای بانوان سرپرست خانوار و برای جلب مشارکت شبکه های اجتماعی پیشنهادات مشتمل اند بر: راه اندازی خانه های تسنیم، استقرار مدیریت امور بانوان در محلات، هماهنگی و هم افزایی ابتكارات و توانمندی های بانوان و کانون های محلی محلات، حمایت و هدایت شبکه های اجتماعی بانوان محلات، هم افزایی با سایر خانه ها و کانون های محلی سراهای محلات، تشکیل کانون های ۹ گانه بانوان در محلات.

## منابع و مأخذ

- ابوت، پاملا و والاس، کلر (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی، سایت بنیاد اندیشه اسلامی.  
ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰) جامعه شناسی توسعه، تهران: نشر نی.  
اسدی، عبد الرضا (۱۳۸۱) «شناخت زنان روستایی با کاربرد روش تحقیق کیفی»، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۳.  
افشاری، زهرا و ابراهیم شبیانی (۱۳۸۰) «تجزیه جنسیتی بازار کار ایران»، پژوهش زنان، شماره ۱.  
انکر، ریچارد و هین، کاترین، زنان در بازار کار ایران، به انظام انتوریهای نابرابری جنسیتی، ترجمه‌ی

می‌شوند عبارتند از: الف: ارائه خدمات ساده و پیشرفته سازمانی به زنان جهان؛ ب: بالا بردن سهم تاثیر زنان در تغییر و توسعه شرایط اجتماعی برای حل مشکلات اقشار مستضعف در جهت تکامل؛ ج: بالا بردن سطح همکاری زنان در جهان؛ د: ایجاد هم‌دلی، هم‌فکری، و همکاری با زنان مستضعف جهان.

با توجه به محدودیت‌ها و مسئولیت‌های سنگین بانوان در خانه و محیط و همچنین نیاز به الگوهای صحیح توسعه و تحکیم خانواده مراکزی مختص بانوان که بتواند در امر خطیر احیاء اهداف فرهنگی و اجتماعی خدمت کنند بسیار ضروری است. موارد ذیل از دیگر ضرورت‌های ایجاد مراکز شهربانو به استناد سند ۵ ساله و طرح جامع شهر تهران است:  
۱. ایجاد و توسعه مراکز فرهنگی، اجتماعی و ورزشی ویژه بانوان در سطح مناطق شهری (با عملکرد محله‌ای، منطقه‌ای و شهری) به منظور تسهیل دسترسی سالم بانوان در محیط‌های عمومی و استفاده از مواهب شهر، افزایش رفاه، احساس امنیت، آرامش و رضایتمندی دختران و زنان تهرانی در گذران اوقات فراغت خود و استفاده بهینه از امکانات و فرصت‌های فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، تفریحی، شکوفایی اقتصادی با پشتونهای دینی و معنوی  
۲. ارائه تسهیلات آموزشی و مشاوره‌ای در سطح نواحی و محلات در جهت کاهش آسیب‌های مرتبط با بانوان

۳. حمایت از ایجاد و گسترش سازمان‌های غیر دولتی، نهادهای مدنی و کانون‌های زنان با رویکرد محله محوری در زمینه توانمندسازی و بانوان سرپرست خانوار اقداماتی لازم بنظر می‌رسد مشتمل بر: طرح ظرفیت‌سازی اجتماعی بانوان، تهیه نیمرخ استعدادهای بانوان محلات، تشکیل گروه‌های همیاری اجتماعی، جلب مشارکت ذینفعان محلی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، طراحی و تسهیلگری پژوهش‌های کوچک محلی در زمینه

- خسروی، زهره (۱۳۸۰) بررسی آسیب‌های روانی اجتماعی زنان سرپرست خانوار، *فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا* شماره ۳۹.
- خواجه‌نوری، بیژن، عبدالعلی لهسایی زاده و جهانگیر جهانگیری (۱۳۸۴) بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی، *مطالعه موردی استان فارس، مجله‌ی جامعه شناسی ایران*، دوره‌ی ششم، شماره‌ی ۳، ص. ۱۲۴-۱۴۵.
- رایس، کلارا کولیور (۱۳۸۳) زنان ایرانی و راه و رسم آنان، *ترجمه اسدالله آزاد، تهران، نشر کتابدار زارع شاه آبادی، علیرضا همکاران* (۱۳۹۰) بررسی شاخصها و سطح بندی اولویت‌ها در ساماندهی و توانمندسازی محله جنگلده شهر علی آباد کتول (استان گلستان)، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*.
- زیاری، کرامت ... و آذر دخت نوذری (۱۳۸۸) ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیر رسمی شهر اهواز (کوی منبع آب)، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره‌ی ۶۸، صص ۲۱-۳۶.
- سعید زاده، سید محسن (۱۳۷۴) *مشاغل زنان، پیام زن*، شماره‌ی ۳۸۳.
- سفیری، خدیجه (۱۳۷۷) *جامعه شناسی اشتغال زنان*، تبیان.
- سگالان، مارتین (۱۳۷۰) *جامعه شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران، نشر مرکز شادی طلب، ژاله* (۱۳۸۲) بررسی مشارکت اجتماعی زنان در تهران، *پژوهش زنان، دور اول، سال ۳، شماره ۵*.
- شادی طلب، ژاله و علیرضا گرانی نژاد (۱۳۸۳) *فقر زنان سرپرست خانوار، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۱، تهران.*
- شادی طلب، ژاله و وهابی، معصومه و ورمذیار، حسن (۱۳۸۴) *مقاله فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷.*
- شهیدی، اکرم (۱۳۸۶) *توانمندسازی اجتماعات محلی اسکان غیررسمی، گامی به سوی پایداری پروین رئیسی فرد (۱۳۷۸) *روشنگران و مطالعات زنان، تهران.**
- آیت‌الله‌ی، زهراء (۱۳۸۱) *زن و خانواده، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، تهران.*
- بابایی زکلیلی، محمد علی (۱۳۸۵) *چالش‌های زنان برای ارتقاء به مشاغل دولتی، فصلنامه مدرس علوم انسانی ویژه مدیریت.*
- بامداد، شیدا (۱۳۷۶) *بررسی عوامل مؤثر بر میزان های اشتغال زنان در ۲۵۲ شهرستان کشور - سال ۱۳۷۵، مجموعه مباحث و مقالات همایش تدوین برنامه سوم توسعه کشور، سازمان برنامه و بودجه، تهران.*
- بشیریه، حسین (۱۳۸۷) *جامعه شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.*
- بهمن‌پور، ثریا؛ شیخی، ایمن سادات (۱۳۸۵) *توانمندسازی جامعه محلی: توسعه پایدار سکونتگاه غیررسمی نوده مشهد، مؤسسه همیاران غدا، تهران.*
- بیابانی، جهانگیر (۱۳۸۵)، *کار زنان و پدیده بیکاری ساختاری در کشور، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۲۱ و ۲۳۲*
- پیران، پرویز (۱۳۷۶) *«مبانی مفهومی مشارکت زنان روستایی»، خلاصه گزارش گروههای مطالعاتی گردهمایی زن، کشاورزی، توسعه ۱۴۰۰، جلد اول، گزارش اول.*
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۶) *زندانیان و مساله مشارکت، نتایج یک تحقیق، نامه علوم اجتماعی، شماره ۹ و ۱۰.*
- حبیبی، سید محسن؛ سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۴) *شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، صفحات ۱۵-۲۴.*
- حسینی، زهراء (۱۳۸۱) *ضرورت و محدودیتهای اشتغال زنان، نشر جامعه، تهران.*
- حکیم‌پور، محمد (۱۳۸۳) *حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، انتشارات نقمه نوازش، ایران چاپ، تهران.*

# دریس شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۱۳۳

- مشکلات زنان، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، تهران. شهری، مسکن و انقلاب، شماره ۴۷، پاییز ۱۳۸۶، صص ۵۱-۴۴.
- کتابی، محمود، یزدخواستی، بهجت و زهرا فرخی راستابی (۱۳۸۲) توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، سال ۳، شماره ۷، تهران، صص ۵-۳۰.
- کتابی، محمود، یزدخواستی، بهجت و فرخی راستابی، زهرا (۱۳۸۲) توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، مجله پژوهش زنان، شماره ۷.
- کجاف، محمد باقر و کاظمی، مليحه سادات (۱۳۸۷) بررسی نگرش کارکنان سازمان آموزش و پرورش شهر اصفهان به مدیریت زنان و موانع ارتقای زنان به جایگاه های مدیریتی، مجله مطالعات زنان شماره ۳.
- کمالی، افسانه (۱۳۸۰) «رهیافت مشارکت زنان در توسعه: پیش شرط ها و موانع»، فصلنامه پژوهش زنان، تهران، دوره ۱، شماره ۱.
- کوئن، بروس (۱۳۷۷) درآمدی به جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، توقیا.
- گیدنر، آنتونی (۱۳۷۳)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لانگه، سارا (۱۳۷۲) معیارهایی برای تواناسازی زنان، نقش زنان در توسعه، انتشارات روشنگران، تهران، چاپ اول.
- لنگ، جان (۱۳۸۶)، آفرینش نظریه معماری، ترجمه دکتر علیرضا عینی فر، چاپ سوم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
- مرکز امور مشارکت زنان (۱۳۸۰) بررسی آمار وضعیت زنان بر مبنای رویکرد توسعه انسانی، معاونت امور اجتماعی و توسعه مشارکتها.
- مصطفا، نسرین (۱۳۷۳)، نقش مشارکت سیاسی در توانا سازی زنان، مجله سیاست خارجی، سال هشتم، شماره ۳.
- مطیعی لنگرودی، سید حسین (۱۳۸۲) برنامه ریزی روستایی با تأکید بر ایران، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- شیخی، محمد (۱۳۸۱) فرآیند شکل گیری، و دگرگونی سکونتگاههای خودرو پیرامون کلان شهر تهران، فصل نامه هفت شهر، سال دهم، شماره هشتم، تهران.
- طالبیان، احمد رضا و فایی، فاطمه (۱۳۸۵) الگوی جامع توانمندسازی منابع انسانی، مجله تدبیر، تهران.
- عفتي، محمد (۱۳۷۱) بررسی عوامل موثر بر مشارکت روستائیان در طرح های توسعه روستایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران علیخواه، فردین و نجیبی ربیعی، مریم (۱۳۸۴) زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۲، ۱۳۸۴.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰) تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی- اقتصادی سازمان یافته روستائیان به عنوان مکانیزمی برای توسعه روستایی در ایران، پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه تهران.
- فتاحی زاده، فتحیه (۱۳۸۳) زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم.
- فرخی، طاهره (۱۳۸۱) نقش زنان در توسعه پایدار و تواناسازی زنان، ماهنامه تعاون، دوره جدید، ش ۷۴، ص ۷۶-۷۹.
- فروزان، ستاره (۱۳۷۹) طرح بررسی شاخص های فقر انسانی در زنان سرپرست خانوار خدمت گیرنده از سازمان بهزیستی کشور، سازمان بهزیستی کشور، تهران.
- فروزان، ستاره و اکبر بیگلریان (۱۳۸۲) زنان سرپرست خانوار: فرصتها و چالشها، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۵، تهران، صص ۳۵-۸۲.
- فليک، اووه (۱۳۸۷) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
- قدیر، محسن (۱۳۸۰) اشتغال زن از منظر غرب و اسلام، مجموعه مقالات هم اندیشی بررسی مسائل و

(1979) "AN Analysis of Relationship Between Husband's Income, Family Size and Wife's Employment in the Early Stages of Marriage", Journal of Marriage and the Family, Vol 44, No 4.

Kandiyoti, Deniz (1985), Woman in Rural Production System: Problems and Political, France: UNICCO.

Kyem, P.A.K., (2004), "Power, Participation, and Inflexible Institutions: An Examination of the Challenges to Community Empowerment in Participatory GIS Applications", *Cartographica*, 38, No.4&3, March 2004, pp.17-5.

Lahsaeizadeh, Abdolali (1987), Land Reform and Social Change in Rural Iran, "Land Reform, Land Settlement and Cooperatives, FAO NO 2/1.

Lahsaeizadeh, Abdolali (1988), Post-Revolutionary Land Distribution in Iran, "Land Reform, Land Settlement and Cooperatives, FAO. NO 2/1.

Lahsaeizadeh, Abdolali (1993), Contemporary Rural Iran. Alders hot, England: Overbuy.

Lowe, et al (1999), "Participation in rural Development," center for rural economy.

McLaverty, p (2002), Public participation and innovations in community governance, Ash gate.

Oakley, P. et al. (1999) Protects People the Practice of Participation in Rural Development. Geneva: ILO.

Sargent, L. Tower. (1999). "Contemporary Political Ideologies, Philadelphia: Fort Worth".

Sills, David (1968), International Encyclopedia of Social Sciences, New York, Macmillan Company and the Free Press.

مهدیزاده، جواد (۱۳۸۷) درآمدی بر نظریه های شهر و جنسیت در جستجوی شهرهای انسانی تر، مجله

جستارهای شهرسازی، شماره ۲۵، ۱۳۸۷.

موسوی، سید یعقوب (۱۳۸۱) مشارکت زنان در گفتگوی تمدنها، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۲.

میلانی، ندا (۱۳۷۶) بررسی طرح شهردار مدرسه بعنوان یک عامل مشارکت زا در میان دانش آموزان راهنمایی مدارس تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

نادعلی، لیلا (۱۳۸۵) مدیریت زنان، مجله مدیریت شماره ۱۱۶.

نصیری، معصومه (۱۳۸۴)، فقر و تبعیض علتهای محدودیت توسعه اجتماعی زنان ایران، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۱۱ و ۲۱۲.

نوروزی، لادن (۱۳۸۳) موانع ارتقای زنان به مشاغل مدیریتی، مجله پژوهشی زنان، شماره ۱.

Alexander, E.R. (1992), Approaches to planning: Introducing Current Planning Theories, Concepts & Issues, Gordon and Breach Science Publishers, Philadelphia.

Chant, S.,(1997), "Woman-headed Householde: Diversity and Dynamics in the Developing World", Hounds mills, Basingstoke:McMillan.

Chant, S.,(2003), "Female Household Headship and the Feminisation of Poverty: Facts, Fictions and Forward Stragies", Issue 9, Gender Institute, London School of Economics.

Elwood, S.A. (2002), "GIS Use in Community Planning: A Multidimensional Analysis of Empowerment." Environment and Planning A :34 22-905.

Erstad. Margaret (1997). "Empowerment and Organizational Change". International Journal of Contimporary Hospitality

Ewer, Phyllis, A, Crimmins Eileen, Oliver Richard